



Architectural Design Process Based on Transcendent wisdom, Investigating the effect of Mulla Sadra's Basit al-Haqiqa rule on architectural design process

Abouzar Izadpour

Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Mahdi Hamzenejad *

Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Tahereh Nasr

Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Mohamad Ali Akhgar

Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Received: 2023/12/08

Accepted: 2024/09/23

Abstract

The existential simplicity of architecture can establish harmony between the field of the human living environment (architecture), the field of the human inner self and soul, and the field of existence and reality (ontological field). This concept is more important in the context of transcendental wisdom, especially under the rule of "Simple al-Haqiqah." Using a combination of library documents, logical reasoning methodology, and qualitative content analysis, the author initially reviews the existing literature. Subsequently, by examining the foundations of transcendental wisdom, the author takes a step towards Sadra's epistemology. The goal is to match the obtained components with the corresponding components in architectural design process models and to explain how these foundations from transcendental wisdom affect the design processes. The result demonstrates that the simplicity of the soul, about its internal powers, is encompassed by the simplicity of the necessary being about the entire system of existence. Since architecture is a function of the powers of the soul, including the power of imagination, the simplicity of the self is thus elevated. This crucial concept is framed within Mulla Sadra's "basit al-haqiqa" rule, the most fundamental principle in the realm of ontology and epistemology that embraces plurality with the appearance of unity in multitudes. Consequently, this principle influences Sadra's design process.

Keywords:

Transcendent wisdom
Basit al-haqiqa
Architectural
Design process

© 2024 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Citation: Izadpour A, Hamzenejad M, Nasr T, Akhgar M A. (2024). Architectural Design Process Based on Transcendent wisdom, Investigating the effect of Mulla Sadra's Basit al-Haqiqa rule on architectural design process. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 12 (3): 56-75.

[10.61186/jria.12.3.4](https://doi.org/10.61186/jria.12.3.4)

* **Corresponding Author:** hamzenejad@iust.ac.ir



فرآیند طراحی معماری بر مبنای حکمت‌متعالیه؛ بررسی تأثیر قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه‌ی ملاصدرا بر فرآیند طراحی معماری*

ابوذر ایزدپور

دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده‌ی هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مهدی حمزه‌نژاد**

استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

طاهره نصر

دانشیار، گروه معماری، دانشکده‌ی هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

محمدعلی اخگر

استادیار، گروه معارف، دانشکده‌ی علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

چکیده

بساطت وجودی معماری می‌تواند تلائم و هماهنگی بین عرصه‌ی محیط زندگی انسان (معماری)، عرصه‌ی درون و نفس انسان (عرصه انسان‌شناختی و خودشناسی) و عرصه‌ی هستی و واقعیت (عرصه‌ی هستی‌شناختی) را برقرار سازد؛ و این مهم در بستر حکمت‌متعالیه، خصوصاً قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه» ساری و جاری است. این مقاله به‌طور خاص در زمینه‌ی دانش فرآیند طراحی معماری انجام گردیده و در پی بررسی نحوه‌ی تأثیر این حکمت بر فرآیند طراحی معماری است و با استفاده از متدولوژی استدلال منطقی و تحلیل محتوای کیفی و مطالعه‌ی اسناد کتابخانه‌ای و نیز با هدف حصول روشی معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه، در ابتدا مروری بر فرآیندهای طراحی معماری موجود و استخراج مؤلفه‌های مربوطه دارد؛ پس از آن با بررسی مبانی حکمت‌متعالیه، جهت شناخت‌شناسی صدرایی گام بر می‌دارد و اقدام به تطبیق مؤلفه‌های بدست‌آمده با مؤلفه‌های متناظر در مدل‌های فرآیند طراحی معماری کرده و سپس چگونگی تأثیر مبانی اخذشده از حکمت‌متعالیه بر روی فرآیندهای طراحی را بیان می‌دارد. نتیجه آنکه بساطت نفس نسبت به قوای مادونش، محاط در بساطت «واجب‌الوجود» نسبت به کل نظام هستی است و از آنجا که معماری نیز فعل قوای نفس از جمله قوه‌ی خیال می‌باشد؛ محاط در بساطت نفس مطرح می‌گردد و این مهم در بستر قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه» ملاصدرا رخ می‌دهد و پیامد آن فرآیند طراحی صدرایی است؛ لذا می‌توان گفت؛ آنچه تاکنون، در فرآیندهای طراحی رایج مسکوت‌مانده؛ بحث نفس و نحوه‌ی تأثیر آن بر مدل‌های موجود است که می‌تواند به‌روند افقی مدل‌های فرآیند طراحی موجود، سیری عمودی از عالم ماده به خیال و عقل ببخشد.

واژگان کلیدی: حکمت‌متعالیه، بسیط‌الحقیقه، معماری، فرآیند طراحی

ارجاع به مقاله: ایزدپور ابوذر، حمزه‌نژاد مهدی، نصر طاهره، اخگر محمدعلی. (۱۴۰۳). فرآیند طراحی معماری بر مبنای حکمت‌متعالیه؛ بررسی تأثیر قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه‌ی

doi 10.61186/jria.12.3.4

ملاصدرا بر فرآیند طراحی معماری، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۲(۱): ۷۵-۵۶.

* این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری نویسنده‌ی اول با عنوان «تبیین کاربرد قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه در بنیان‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دانش معماری، پردازشی از رابطه‌ی بسط عرفانی تا بست معماری در فرآیند طراحی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، به راهنمایی نویسنده‌ی دوم (استاد راهنمای اول رساله) و نویسنده‌ی سوم (استاد راهنمای دوم رساله) و مشاوره‌ی نویسنده‌ی چهارم می‌باشد.

** نویسنده مسئول hamzenejad@iust.ac.ir

۱. مقدمه

دانش و معرفت معماری همچون تمام دانش‌های بشری، اتکا بر بنیان‌های معین هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی به‌عنوان سرلوحه مباحث فلسفی عصر جدید دارد. در سه دهه‌ی اخیر مطالعات گسترده‌ای در فرآیند طراحی معماری صورت گرفته و در برخی از آن‌ها، مطالعات میان‌رشته‌ای با نگاهی روان‌شناسانه یا فلسفی به این فرآیند دیده می‌شود. در ایران هم نمونه‌های اندکی از نگاه فلسفی به فرآیند طراحی وجود دارد. این تحقیق با مینا قرار دادن فلسفه‌ی صدرایی سعی دارد تأثیر این فلسفه را در تعریف این فرآیند روشن نماید. هدف این تحقیق کاربردیست و قصد دارد نتایجی سازگار با مبانی فلسفی، و امیدبخش برای بهره‌ی بیش‌تر طراحان، در اختیار طراحان قرار دهد.

این مقاله با استفاده از متدولوژی استدلال منطقی و تحلیل محتوای کیفی و مطالعه‌ی اسناد کتابخانه‌ای و نیز با هدف حصول روشی معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه در دانش فرآیند طراحی معماری، در ابتدا مروری بر فرآیندهای طراحی معماری موجود و استخراج مؤلفه‌های مربوطه دارد. پس از آن بابررسی مبانی حکمت‌متعالیه، جهت شناخت اندیشه‌ی صدرایی گام برداشته و با کمک مدل‌ها، اقدام به تطبیق مؤلفه‌های بدست‌آمده با مؤلفه‌های متناظر در مدل‌های فرآیند طراحی معماری کرده و سپس چگونگی تأثیر مبانی اخذ شده از حکمت‌متعالیه بر روی مدل‌ها و فرآیندهای طراحی را بیان می‌کند. در ارائه‌ی هر عنوان از مبانی حکمت‌متعالیه، تأثیر آن بر مدل مربوطه در فرآیند طراحی بررسی و این تأثیر در عناوین بعدی به‌ترتیب رشد یافته و با تأثیر قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه‌ی ملاصدرا به‌عنوان اصلی بنیادین در قلمرو هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی که کثرت را با سریان وحدت در کثرات مورد پذیرش قرار می‌دهد؛ خاتمه می‌یابد.

نتیجه‌ی اولیه‌ی پژوهش، مدل‌های تأثیر یافته‌ی فرآیند طراحی بر اساس مبانی حکمت‌متعالیه است که در هر بخش از مباحث این حکمت بدان پرداخته شده‌است و این مدل‌ها در بخش نفس و بیان قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه» به تکامل می‌رسند و در بخش یافته‌ها نمونه‌هایی از معماری معاصر برش مترتب می‌شود و می‌توان گفت: آنچه تاکنون، علی‌رغم موجود بودن، در فرآیندهای طراحی رایج مسکوت مانده؛ بحث نفس و نحوه‌ی تأثیر آن بر مدل‌های موجود می‌باشد که با عنایت به مباحث دقیق نفس در حکمت‌متعالیه‌ی صدرایی بدان پرداخته شده و به روند افقی مدل‌های فرآیند موجود، سیری عمودی از عالم ماده به خیال و عقل نیز بخشیده است. نتیجه‌ی نهایی تحقیق را نیز چنین می‌توان بیان نمود

که در فرآیند طراحی صدرایی، بساطت نفس نسبت به قوای مادونش، محاط در بساطت واجب‌الوجود نسبت به کل نظام هستی می‌باشد و از آنجا که معماری نیز فعل قوای نفس از جمله قوه‌ی خیال می‌باشد؛ لذا محاط در بساطت نفس مطرح می‌شود.

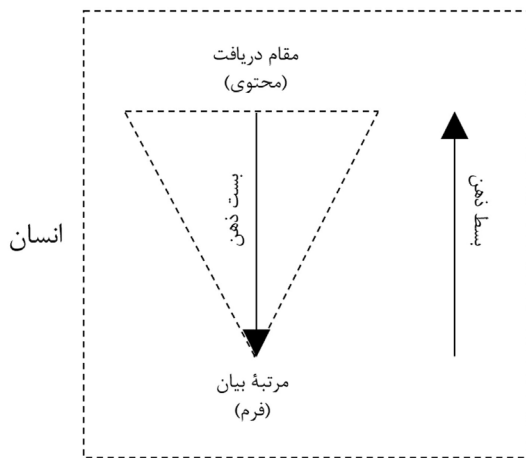
نوآوری این تحقیق، مسیریابی تکاملی در بستر مبانی صدرایی، جهت تحقق مدلی جامع است که به‌نظر می‌رسد می‌تواند مسیرهای ارزشمندی برای فرآیند طراحی معماری ایجاد نماید که نویدبخش نگاه جامع بین پژوهش‌های فلسفی-معماری قبلی در حکمت‌متعالیه باشد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

اقبال پژوهشگران رشته‌ی معماری به حکمت‌متعالیه‌ی صدرایی، در دو دهه‌ی اخیر رو به تزاید بوده‌است که در این بخش در راستای مقاله به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد:

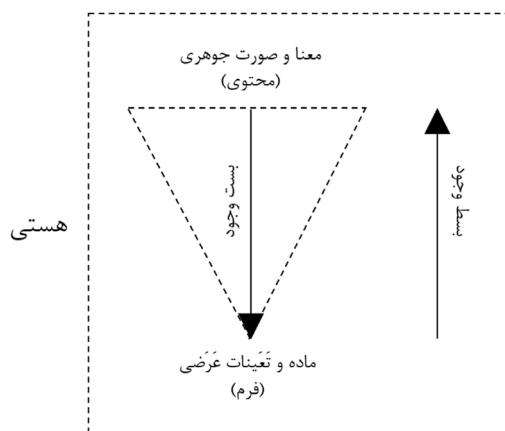
شناخت مراتب و فرآیند ادراک انسان از جمله مسائل پایه‌ای است که جهت کسب دانش معماری در دستگاه صدرایی بدان نیازاست؛ تقدیر در پژوهشی به این مسئله پرداخته که در دوران معاصر، صاحب‌نظران این حوزه نسبت به شناخت مراتب ادراک انسان و نقش آن در فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بیش از پیش توجه نشان داده‌اند و با انتقاد به دیدگاه مدرن در توجه صرف به‌مرتبیه‌ی حسی ادراک، آن‌هم با تمرکز بر حس بینایی، لزوم توجه به همه مراتب ادراک انسان را مطرح می‌نمایند (تقدیر ۱۳۹۶، ۴۸)؛ که البته بیش‌تر این تحقیقات در حوزه روان‌شناسی محیط می‌باشد. همچنین مقاله‌ی نقره‌کار، مظفر، و تقدیر، اشاره به این مطلب دارد که تعریف هستی، انسان و معماری، و ظرفیت‌های هر یک و نحوه‌ی تعامل آن‌ها با هم، از منظر حکمت‌متعالیه این نتیجه را دربرداشته که معمار با ادراک مراتب هستی و الهام از آن‌ها به خلق اثر معماری می‌پردازد؛ لذا اثر خلق شده نیز دارای یک مرتبه‌ی وجودی متناسب با منشأ الهام خود خواهد بود (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۹). مراتب مختلف «نفس انسان» و «عوالم هستی» در دو مقاله‌ی مذکور، در یک فرآیند معناسازی تعاملی قرار دارند و این یک فرآیند ارزشی و وابسته به محتوا است (تصویر ۱).

در مقاله‌ی علی‌آبادی، کاکایی و غدیری‌نیا در خصوص خلق آثار معماری چنین آمده که در دستگاه صدرا، نفس که جانشین و مثال خداوند در زمین است، دارای هویتی امری و قادر به خلق مخلوقات است که رابطه‌اش با آنها مانند رابطه‌ی خداوند با مخلوقاتش می‌باشد؛ لذا در نگرش صدرا خلاقیت انسان در امتداد خلاقیت خداوند قرار دارد.

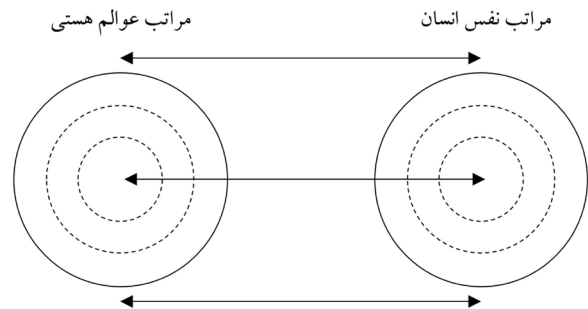


تصویر ۳. مدل فرآیند طولی محتوی تا فرم در بستر نفس معمار از منظر حکمت متعالیه در رساله‌ی علی تاجر (مأخذ: نگارندگان)

ولی در مقاله‌ی «هستی‌شناسی مکان تاریخی» که مستخرج از رساله‌ی دکتر صالحي است؛ با تکیه بر استدلال منطقی و روش قیاسی و با استناد به تبیین‌های اصالت وجودی حکمت متعالیه، در پاسخ به این سوال که تلقی فرهنگ ایرانی-اسلامی از حقیقت هستی مکان‌های تاریخی چیست؛ نتیجه می‌گیرد که حقیقت هستی مکان تاریخی بیش از هر چیز در معنا و صورت جوهری‌اش متجلی گشته و ماده و تعینات عرضی صورت، تنها ظهورات و به عبارتی مجال ظهور هستی مکان تاریخی‌اند (مظفر، ندیمی، و صالحی ۱۳۹۶، ۲۹). «معنا و صورت جوهری» با «ماده و تعینات عرضی» در رساله‌ی صالحی نیز همچون رساله‌ی علی تاجر، در یک فرآیند طولی محتوی تا فرم این بار در «بستر هستی معماری» قرار دارند (تصویر ۴).

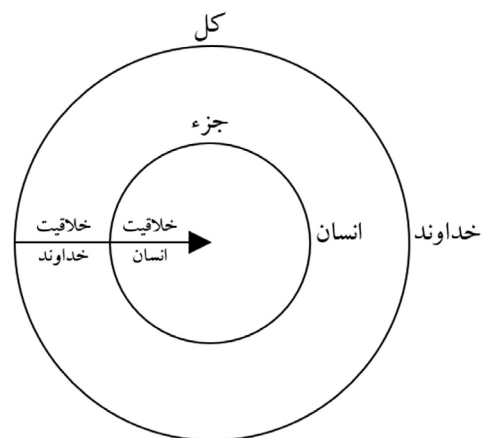


تصویر ۴. مدل فرآیند طولی محتوی تا فرم در بستر هستی معماری از منظر حکمت متعالیه در رساله‌ی صالحی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱. مدل فرآیند معنا سازی تعاملی بین مراتب نفس انسان و عوالم هستی از منظر حکمت متعالیه در مقاله‌های تقدیر، نقره‌کار، و مظفر (مأخذ: نگارندگان)

همچنین نفس انسان به کمک ادراکات خود و در سیر صعودی و معرفت‌شناسانه، قادر به تصور حقایق و تخیل صور خیالی است (علی‌آبادی، کاکایی، و غدیری‌نیا ۱۳۹۱، ۷۱). «مثال بودن» انسان و «در امتداد بودن» خلاقیت او در این پژوهش، یک فرآیند تطابقی از حیث تطبیق جزء و کل را ارائه می‌دهند که محتوی محور است (تصویر ۲).



تصویر ۲. مدل فرآیند تطابقی از حیث تطبیق جزء و کل از منظر حکمت متعالیه در مقاله‌ی علی‌آبادی و همکاران (مأخذ: نگارندگان)

ادراک محسوسات از جمله آثار معماری در ساختار وجوداندیشی صدرای سیر انفسی در آفاق است و علی تاجر در رساله‌ی دکتر خود؛ چنین نتیجه می‌گیرد که معمار در مقام دریافت، شاهد کمال زیبایی‌های وجود در نفس خویش بوده و در مرتبه‌ی بیان با احاطه‌ی علمیه، زیبایی‌های پنهان وجود را آشکار می‌سازد (علی تاجر ۱۳۸۳، ۱۴۰). «دریافت» و «بیان» در رساله‌ی علی تاجر، یک فرآیند طولی محتوی تا فرم در «بستر نفس معمار» را ارائه می‌دهند که نسبت به تحقیق‌های قبلی راهبردی‌تر است (تصویر ۳).

انگیزش-پاسخ نسل اول را با توجه به ناقص بودن مدل انسانی در آن رد می‌کند؛ ولی از تئوری‌های اثباتی نسل اول و روش شهودی نسل سوم بهره می‌برد (باستانی و محمودی ۱۳۹۶، ۷-۸).

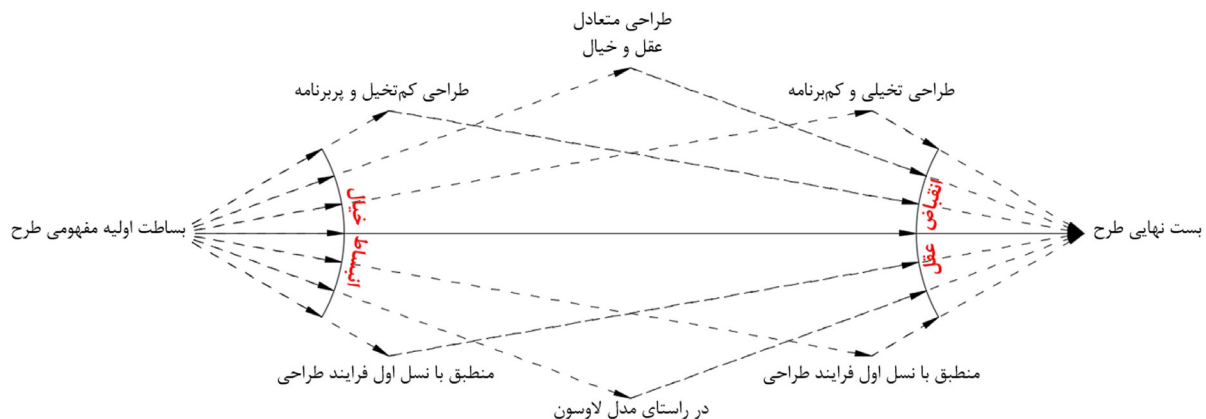
در روش مشارکتی نسل دوم، به‌زعم برادبنت^۹، نقش طراح به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی زیر سوال می‌رود چون تصمیم طراحانه در این نسل، امری است جمعی با مشارکت استفاده‌کننده‌گان. روش‌های نسل اول در پی الگوبرداری از روش‌شناسی علوم است؛ که سعی داشتند با استفاده از «شناخت علمی»^{۱۰} بدان دست یابند اما طراح نسل سوم ابتدا باید به مسئله‌ی مورد طراحی با استفاده از «شناخت ضمنی»^{۱۱}، ساختاری ببخشد تا بتواند آن را درک و از عهده‌ی حل آن برآید؛ «شناخت علمی» در این نسل در مراحل بعدی و به‌منظور توسعه، تعدیل و به نهایت رساندن آن است (ندیمی ۱۳۷۸، ۹۶-۹۷)؛ راه‌حل‌های پیش‌داورانه و پیش‌زمینه‌های ذهنی نسل سوم که بر مبنای مدلی است قیاسی، به‌نظر اغلب نظریه‌پردازان نسل اول امری مذموم و غیرعلمی به‌حساب می‌آمد؛ در مقابل، مبنای نظری نسل اول که تفکری، عقل‌گرا، و تجربه‌گراست و نتیجه‌گیری آن استقرائی می‌باشد؛ توسط نسل سوم که طراحی را عملی‌خلاقانه می‌دانند مورد نقد قرار می‌گیرد. هریک از این راهبردها به‌نظر می‌رسد به‌تنهایی اگر چه می‌توانند جوابی بر سوال اولیه‌ی خود ارائه نمایند؛ ولی اگر نیم‌نگاهی به بُعد مقابل خود نداشته‌باشند؛ اشکال مطرح‌شده از نظریه‌ی رقیب را دارا و لازم‌است سازوکاری برای مدلی جامع در آنها ایجاد شود؛ کاری که لاوسون^{۱۲} آن را شروع کرده و این تحقیق با پشتیبانی صدایی درصدد بسط آن است. همان‌طور که در شکل ۵ که طبق تحقیقات اولیه در فرآیند طراحی است؛ نشان داده شده است؛ اقبال از بست^{۱۳} ذهنی که روشی علمی، تجربی، نکته‌سنج، عینیت‌گرا، شفاف، منطقی، قابل‌تکرار، نظام‌مند، استقرایی و جزءنگر است به‌سمت بساطت و بسط ذهنی که وابسته به ذهنیت طراح، شهودی، الهام‌گرا، قیاسی و کل‌نگر است؛ می‌رود و در انتها تعامل این دو ارائه می‌گردد.

از پژوهش‌های فوق چنین استنباط می‌گردد که در فرآیند تعاملی تقدیر، نقره‌کار، و مظفر، تعامل بین «کل» و «کل»؛ درفرآیند تطابقی علی‌آبادی، کاکایی و غدیری‌نیا، تطابق بین «جزء» و «کل»؛ درفرآیند طولی محتوی تا فرم علی‌تاجر و صالحی، فرآیند بین «دو جزء» (در یکی دریافت و بیان؛ و در دیگری جوهر و عَرَض) قابل جمع در یک «کل» (در یکی نفس انسان و در دیگری، هستی) برقرار است. می‌توان گفت که تعامل «کل-کل» و «جز-کل» برخلاف فرآیندهای طولی «دو جزء در یک کل»، راهبردی نبوده بلکه ارزشی و وابسته به محتوا هستند.

۳. فرآیند طراحی معماری

برطبق نظر ویتروویوس^۱ و با شباهت بسیار با آن، نظر آلبرتی^۲، طراحی معماری، فرآیند گزینش اجزا برای دست‌یافتن به یک کل واحد است. به‌دنبال تلاش‌های خلاقانه‌ی دکارت، معمارانی چون لاگیر^۳، فرآیند طراحی را شامل تجزیه‌ی یک مسئله، حل اجزاء و ترکیب راه‌حل‌های جزئی در کل واحد دانستند و آن را روش عقلانی نامیدند. لوکوربوزیه^۴ نیز فرآیند طراحی خود را با واژه‌هایی مشابه (تجزیه/ترکیب) تشریح کرده‌است (لنگ ۱۳۸۶، ۴۱). در کتاب راهنمای موسسه‌ی سلطنتی معماران بریتانیا همین الگوی دوگانه با حالتی تعاملی‌تر و با یک معیار سنجش بعد از آن مطرح و فرآیند طراحی به سه مرحله مجزا شامل آنالیز، ترکیب، و ارزشیابی تفکیک شده است. آرچر^۵ تحلیل‌گر انگلیسی در فرآیند طراحی، سه مرحله فوق را به‌گونه‌ای تعریف نمود که بتوان در آنها بازنگری نمود. پس از آن، کریس جونز^۶ توانست مشکل مجزا بودن این مراحل را با پیشنهاد سیستم چرخشی تا حد زیادی حل نماید (ادیبی و کریمی‌مشاور ۱۳۸۹، ۴). بیشتر این نظریات در بستر نظریات فلسفی جزء‌گرایانه‌ی دکارتی و کانتی تعریف می‌شدند که کل‌گرایی سنتی افلاطونی را رد می‌کرد و کل را تنها بعد از اجزا و تجزیه، به‌رسمیت می‌شناخت؛ با این حال، در آخر قرن بیستم، فیلسوف بزرگ انگلیسی با طرح نظریه‌ی ابطال‌پذیری راهی برای گونه‌ای آزاد از کل‌گرایی گشود که مسیر جز‌گرایی مدرن را دگرگون کرد؛ لذا تأثیر نظریه‌ی کارل پوپر (Popper) در طراحی موجب گردید که روند حدس-تحلیل جایگزین تحلیل-ترکیب گردد و یک کلی خیالی، موهوم و احتمالی، اجازهی ظهور درآغاز کار را پیدا کند.

طی نسل‌بندی انجام‌شده در فرآیند طراحی توسط هورست ریتل^۷ و در پی آن جان لنگ^۸، و نقدهایی که سه‌نسل به وجود آمده نسبت به هم دارند؛ می‌توان پی به دغدغه‌های مختلف آنها برد: نسل دوم که در پی الگوهای محیط‌شناسانه و توجه به رابطه‌ی انسان و محیط است، روش ساده‌انگارانه‌ی



تصویر ۵. ادراک نفس از طریق مطالعات علمی، ادراکی است استقرائی، دقیق و جزئی (در راستای فرآیند طراحی نسل اول) که منجر به یک طراحی کم‌تخیل و پربرنامه می‌شود و از طریق مطالعات ضمنی، ادراکی است کلی و قیاسی (در راستای فرآیند طراحی نسل سوم) که منجر به یک طراحی تخیلی و کم‌برنامه می‌گردد (ماخذ: نگارندگان)

با هدف درک اینکه چگونه تصمیمات طراحی بر عملکرد ساختمان تأثیری می‌گذارد به هم پیوند دهد (باتیستو^{۱۴} و فرانکیو^{۱۵}، ۲۰۱۴، ۳۶۱-۳۶۸). طی پژوهش‌های انجام‌شده توسط کراس^{۱۶} می‌توان گفت که هم تحقیق و هم آموزش طراحی می‌توانند به توسعه‌ی طراحی کمک نمایند (کراس، ۲۰۰۱، ۲۲۱-۲۲۶).

خلاقیت و نوآوری از جمله عواملی هستند که بر ایده‌ی طراح، فرم و انتخاب مصالح ساختمانی در طراحی معماری تأثیر می‌گذارند. عوامل مؤثر بر خلاقیت و نوآوری در مدیریت طراحی معماری از طریق فرآیند مشاهده‌ی طراحی از ابتدا تا مرحله‌ی پایانی به دست می‌آید که شامل خلاصه‌ی طراحی، شناسایی مشکل، جستجوی راه‌حل (مواجهه با مسئله)، توسعه‌ی طراحی (تعمیق مسئله)، طراحی جزئیات، فرآیند ساخت (راه‌حل) همراه با ارزیابی قبل و بعد از اشغال است (دانفولانی^{۱۷}، ۲۰۱۵، ۱۶).

تمام فرآیندهای طراحی از یک ساختار شماتیک پیروی می‌کنند: مراحل پیش‌طراحی، طراحی شماتیک (مواجهه با مسئله)، توسعه‌ی طراحی (تعمیق مسئله)، و مراحل ساخت اسناد (راه‌حل). با این وجود، هر پروژه‌ی طراحی ممکن است بسته به اهداف و اولویت‌های خود، دارای ترتیب خاصی از مراحل و فرآیندهای طراحی باشد. علاوه بر این، طراحی به خودی خود یک فرآیند خطی نیست؛ یک طراح معمولاً در مراحل مختلف به جلو و عقب حرکت می‌کند و در عمل، این مراحل طراحی با یکدیگر همپوشانی دارند (سالامه^{۱۸}، ۲۰۱۷، ۲۰۵).

تمرکز دمیرباس^{۱۹} و دمیرکن^{۲۰} بر فرآیند طراحی معماری، از طریق سبک‌های یادگیری طبق نظریه‌ی یادگیری

در پژوهش‌های جدید فرآیند طراحی نیز تلاش‌های زیادی در زمینه‌ی ساماندهی طراحی از طریق توسعه‌ی طراحی (بسط طرح) انجام و کارایی آن‌ها ثابت شده‌است. برخی از این روش‌ها نتایج کاربردی و آموزشی موفق را نشان می‌دهند. وجه مشترک این تحقیقات، سه‌گام مواجهه با مسئله، تعمیق مسئله و راه حل است؛ که گام دوم این تحقیقات (تعمیق مسئله) تلاشی است برای غنی کردن مسئله در یک بستر توسعه و بساطت، و بر اساس آن‌ها راه حل نهایی ارائه می‌گردد (تصویر ۶). در زیر به طور مجزا به این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود.



تصویر ۶. سه‌گام مشترک در تحقیقات جدید فرآیند طراحی و جایگاه بساطت در آن‌ها (ماخذ: نگارندگان)

فرآیند طراحی معماری معمولاً شامل فازها یا مراحل جداگانه‌ایست که منجر به یک پروژه‌ی ساختمانی تکمیل‌شده می‌شود. این مراحل ممکن است شامل برنامه‌ریزی و طراحی مفهومی (مواجهه با مسئله)، توسعه‌ی طراحی (تعمیق مسئله در یک بستر توسعه و بسط)، ساخت و ساز (راه حل) و گاهی اوقات ارزیابی پس از اشغال باشد. توسعه‌ی یک فرآیند یکپارچه و چندمرحله‌ای، طراحی را به یک فرآیند تصمیم‌گیری آگاهانه مرتبط می‌کند و می‌تواند برنامه‌ریزی، تحقیق و طراحی را

تجربی کلاب^{۲۱} است که «انطباق‌دهنده»، «واگرا»، و «همگون‌کننده» هستند (دمیریاس و دمیرکن ۲۰۰۳، ۴۳۷). همچنین تئوری تکامل طرح‌ها نیز به دنبال یافتن روش‌هایی در طراحی، مشابه با فرایندهای رشد و تکامل در طبیعت می‌باشند (استیدمن^{۲۲} ۲۰۰۸).

طراحان در صورت استفاده‌ی مؤثر از رابطه‌ی انسان و مکان با کمک پدیدارشناسی مکان می‌توانند محیط‌های بامعنا و با هویت بیافرینند. پدیدارشناسی مکان، دو رویکرد هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی را در برمی‌گیرد. هستی‌شناسی بیشتر دید مکانی دارد و به دنبال معنای مکان (روح مکان) می‌باشد که از طریق طراحی نمی‌توان آن را خلق کرد؛ اما شناخت‌شناسی بیشتر نظرگاهی انسانی به موضوع دارد و به دنبال چستی مکان (حس مکان) است. استفاده از روح مکان در معماری و بخصوص در مرحله‌ی شناخت و تعمیق و فهم مسئله، هم امکانپذیر و هم الزامی است ولی حس مکان پس از حضور انسان در فضای طراحی شده و با گذشت زمان ایجاد می‌شود (تاجی، انصاری، و پورمند ۱۳۹۶، ۷۱؛ ۷۸). در این پژوهش پس از مواجهه با مسئله‌ی طراحی، به مقوله‌ی هستی‌شناسی که استفاده از روح مکان جهت بساطت در طرح است، اشاره می‌شود.

دست‌نگاره‌های خیالی در فرآیند طراحی به عنوان پلی میان ایده و طرح نهایی، مقدم بر اصول واقعی و فارغ از حضور قیدوبندهای معماری (بست معماری/بسط معماری) اند و بکارگیری هندسه پس از خلق طرح‌واره‌های خیالی آغاز و حرکت به سمت واقعیت‌بخشی به آنهاست (خیراللهی ۱۳۹۲، ۸۰). دست‌نگاره‌های خیالی از ادراک خیالی نشأت گرفته که ناشی از بسط درک حسی‌اند.

روش قیاسی به عنوان یکی از خلاقانه‌ترین راهکارهای ایده‌پردازی در فرآیند طراحی معماری مورد توجه بوده است. دو موضوع انتخاب منبع و انتقال منبع به هدف، در فرآیند قیاسی اهمیت می‌یابد. افراد با سبک شهودی در انتخاب منبع هدف و افراد با سبک دیداری و متوالی در انتقال منبع به هدف موفق‌ترند (باستانی و محمودی ۱۳۹۸، ۷۱). روش قیاسی خصوصاً در افراد با سبک شهودی بانگرشی کل‌گرا در

مقابل روش جزءنگر استقرایی، درصدد بسط طرح در فرآیند طراحی پس از مواجهه با مسئله‌ی طراحی هستند.

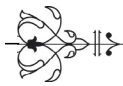
نگرش سیستمی نیز به مثابه‌ی نگرشی کل‌گرا توصیفی جامع از فرآیند طراحی را ارائه می‌کند. فرآیند طراحی به مثابه‌ی سیستم باز دارای ساختاری منعطف است و از طریق بازخوردهای بیرونی کنترل می‌شود. کنش، دانش، شیوه، عامل، و ابزار به انضمام مؤلفه‌های فرعی آن‌ها در حکم اجزاست و در تعامل با کلیت فرآیند عمل می‌کنند (گودینی ۱۳۹۹، ۲۹، ۳۹).

آفرینش طراحی در چرخه‌ی سنتز (پروراندن طرح در خیال)، تفسیر (بازنمایی هندسی) و آنالیز (کنش واقع‌گرایانه) به دست می‌آید (ناصرخاکی و نوریان ۱۳۹۰، ۶۲). لازم به ذکر است که در فرآیند ناصرخاکی و نوریان، مرحله‌ی سنتز می‌بایست پس از مواجهه با مسئله‌ی طراحی انجام گیرد و مرحله‌ی آنالیز را نیز نمی‌توان با دو مرحله‌ی دیگر (سنتز و تفسیر) هم‌ارزش دانست؛ به عبارتی به نظر می‌رسد که مرحله‌ی آنالیز می‌بایست پس از مراحل سنتز و تفسیر، و حاکم بر کل مدل انجام، تا راه بساطت در مدل‌های فرآیند طراحی در مرحله‌ی سنتز که با ادراک خیالی همراه است؛ بهتر تبیین گردد.

در یک جمع‌بندی، نظرات اشرف سلامه در باب مدل‌های «تدریس طراحی» شامل ۱۰ مدل و در باب مدل‌های «فرآیند طراحی» شامل ۳ مدل گردآوری شده‌اند (سلامه ۱۹۹۵، ۷۵-۱۳۸) که در جدول ۱ تشریح (ادیبی و کریمی‌مشاور ۱۳۸۹، ۴؛ ۱۲) و تطبیق گشته‌اند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد؛ مدل شهودی از مدل‌های فرآیند طراحی، با سه مدل آزمون طرح‌مایه، برنامه‌ی آموزشی پنهان، و مسئله‌ی موردی از مدل‌های تدریس طراحی هم‌سو گشته‌اند و براین اساس و همچنین طبق نظر کراس که هم تحقیق و هم آموزش طراحی می‌توانند به توسعه طراحی کمک نمایند؛ می‌توان مدل شهودی فرآیند طراحی را سه‌مرتب‌ای دانست و بر سه‌گام مواجهه با مسئله، تعمیق مسئله و راه‌حل طبق پژوهش‌های دیگر منطبق نمود.

شکل ۶. سه‌گام مشترک در تحقیقات جدید فرآیند طراحی و جایگاه بساطت در آن‌ها (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	مدل‌های ۱۰ گانه‌ی تدریس طراحی معماری براساس نظرات اشرف سلامه	تشریح مدل‌های تدریس طراحی معماری (بر اساس کراس ۲۰۰۱، ۲۲۱-۲۲۶؛ الکساندر ۱۳۹۸، ۵۳؛ ۶۴؛ ادیبی و کریمی‌مشاور ۱۳۸۹، ۴؛ ۱۲)	مدل‌های ۳ گانه‌ی فرآیند طراحی براساس نظرات اشرف سلامه
۱	مقایسه‌ای	مطالعه‌ی موارد مشابه	مدل مشارکتی با رویکرد پژوهش عمل یا طراحی جامعه‌ای
۲	مشارکتی	ارائه‌ی آلترناتیوهای متعدد و سپس ارزیابی آن‌ها به صورت گروهی	
۳	دو لایه	اعتقاد به تفاوت‌های فردی و اهمیت کار گروهی	



ردیف	مداخلهای ۱۰ گانه‌ی تدریس طراحی معماری براساس نظرات اشرف سلامه	تشریح مدل‌های تدریس طراحی معماری (بر اساس کراس ۲۰۰۱، ۲۲۱-۲۲۶؛ الکساندر ۱۳۹۸، ۵۳؛ ۶۴؛ ادیبی و کریمی مشاور ۱۳۸۹، ۴؛ ۱۲)	مدل‌های ۳ گانه‌ی فرآیند طراحی براساس نظرات اشرف سلامه
۴	آزمون طرح‌نامه	ارائه‌ی معیارهای اولیه و سپس ارائه‌ی کانسپتی بر آن اساس	مدل شهودی (رویکرد جعبه‌ی سیاه)
۵	برنامه‌ی آموزشی پنهان	گسترش و ارزیابی برنامه‌ی درسی به صورت ضمنی در طول دوره	
۶	مسئله موردی	ارائه‌ی کانسپت اولیه و سپس ارزیابی آن	
۷	هوشیارانه	اهمیت انتقال دانش در بهترین زمان جهت استفاده‌ی به موقع از تئوری‌ها در عمل	مدل خردگرایانه یا حل مسئله (رویکرد جعبه‌ی شفاف) با دو رویکرد طراحی سیستماتیک و زبان الگو
۸	جستجوگرانه	مدل جستجوی مسئله	
۹	تعاملی	تعیین ماهیت مسائل طراحی	
۱۰	زبان الگو	خودسازگاری در برقراری تعادل پویا با سیستم	

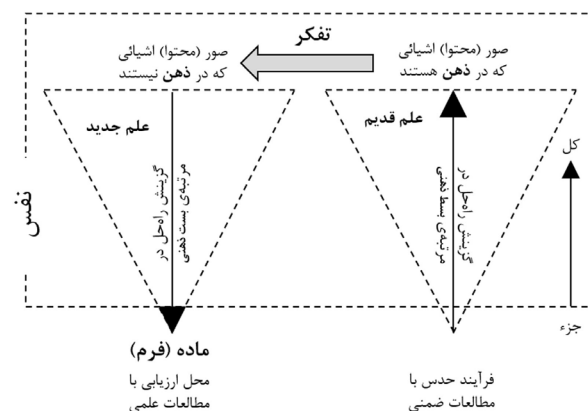
۴. اندیشه‌ی صدرایی

۴-۱. نفس، ذهن، تفکر، مغز و نسبت و ارتباط آن‌ها

در اندیشه‌ی صدرایی

ملاصدرا، «ذهن» را که یکی از شئون نفس است، چنین تعریف می‌کند: «استعداد نفس بر اکتساب علومی که برای نفس حاصل نیستند» (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۲، ۱۳۷)؛ به عبارتی، استعداد نفس برای به دست آوردن معارف. ذهن یک امر حقیقی است و وجود خارجی دارد و از معانی عقلی انتزاعی نبوده و تنها یک اعتبار نیست؛ لذا ذهن، ارتباط تنگاتنگی با ماده دارد؛ یعنی علومی که قرار است توسط نفس حاصل شوند، به واسطه‌ی ماده حاصل‌اند (همان، ۳۰۱). وی در تعریف تفکر می‌گوید: «تفکر، حرکتِ ذهن از مبادی به سمت نتایج است» (همان، ۱۳۸).

فکر، انتقال ذهن است از صور اشیایی که در ذهن هستند و علم نامیده می‌شوند؛ به آنچه در ذهن حاضر نیست.



تصویر ۷. نسبت نفس، ذهن و تفکر و نحوه‌ی ارتباط صور ذهن با ماده و تشکیل فرآیند طولی محتوی تا فرم در بستر نفس معمار از منظر حکمت متعالیه (مأخذ: نگارندگان)

مغز نیز در مبانی صدر، زمینه‌ساز ادراک می‌باشد و تنها استعداد حصول قوه‌ی نفسانی در مغز است^{۲۳} (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱م، ج ۸، ۲۰۵).

تصویر ۷ نسبت نفس، ذهن و تفکر و نحوه‌ی ارتباط صور ذهن با ماده و تشکیل فرآیند طولی محتوی تا فرم در بستر نفس معمار از منظر حکمت متعالیه را نشان می‌دهد.

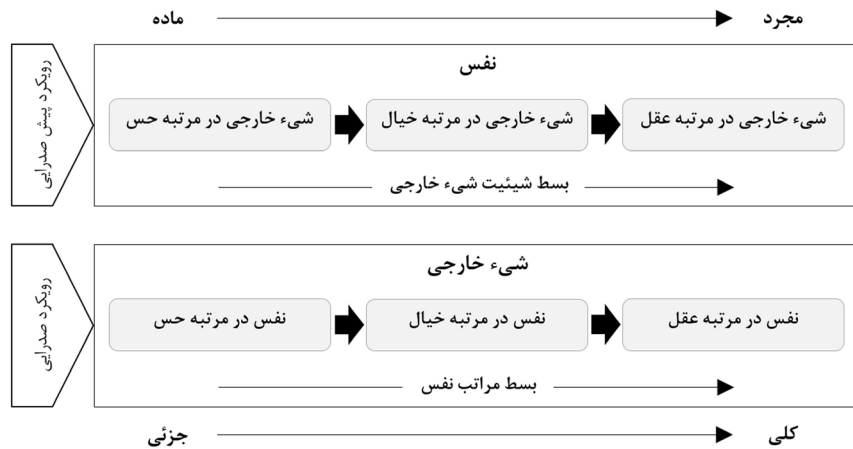
۴-۲. فرآیند ادراک انسان

حکمای اسلامی برای ادراکات انسان نسبت به پدیده‌های خارجی (خارج از ذهن)، سه مرتبه قائل شده‌اند: مرتبه‌ی حس، خیال و عقل. این مراتب ادراک در طول هم هستند و با یکدیگر مخالفت و تعارضی ندارند (ابراهیمی دینانی ۱۳۸۱، ۶).

از نظر ابن‌سینا و به‌ویژه خواجه‌نصیر، کیفیت این مراحل به‌نحو تجرید است؛ یعنی صورت خیالی همان صورت حسی نقش‌شده از شیء خارجی بوده که فاقد بعضی خواص است؛ و صورت عقلی نیز همان صورت خیالی فاقد خصوصیات بیشتری از صورت خیالی است (مطهری ۱۳۶۶، ۲۹۲). اما از نظر صدر، جهان خارج ثابت است و ادراک نه از طریق تجرید صورت‌های محسوس، بلکه به جهت گذر و تعالی نفس از صورت‌های حسی به صورت‌های خیالی و از آن به صورت‌های عقلی است (همو ۱۳۸۷، ۱۲۰).

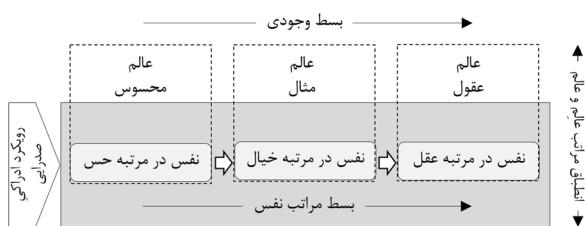
تصویر ۸ تفاوت رویکرد پیش‌صدرایی و صدرایی را در ادراک پدیده‌های خارجی بیان می‌دارد که نشان می‌دهد بر اساس مبانی صدر، آنچه در فرآیند ادراک موضوعیت دارد؛ بسط مراتب نفس است.





تصویر ۸. پیش از ملاصدرا نفس ثابت، شئون شیء را تا مراحل تجرید درک می‌کرد اما ملاصدرا نفس را با قابلیت صعود برای درک شیء، معرفی کرد (مأخذ: نگارندگان)

مراتب پایین‌تر و مراتب پایین‌تر، معلول یا «بست» (به پی‌نوشت ۱۳ مراجعه شود) مراتب بالاتر است. تصویر ۹ به‌نوعی انطباق بسط وجود و بسط نفس را در اندیشه‌ی صدرایی نشان می‌دهد.



تصویر ۹. انسان در تکامل ادراک، تکامل وجود پیدا می‌کند و به تجرید کامل یا عقل می‌رسد تا به درک کامل عقلی نائل شود (مأخذ: نگارندگان)

۴-۵. تشکیک و بساطت وجود

«وجود» مفهومی است مشکک. برخلاف فیلسوفان مشایی که وجودات را حقایق گوناگون می‌دانستند؛ در دیدگاه فیلسوفان حکمت‌متعالیه، وجودات تنوع و گوناگونی ندارند بلکه «وجود» حقیقی، یک حقیقت واحد است که همه‌ی انحاء آن از یک سنخند (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۸، ج ۱، ۱۲۰-۲۵۵؛ ج ۷، ۲۶۳). طیف نظریه‌ی «تشکیک وجود»، نفس نیز خود وجودی است مشکک و با سیر در عوالم مختلف حسی، خیالی و عقلی، صورت متناسب با این عوالم را برای آن شیء می‌آفریند. تجرید لازمه‌ی درک کامل موضوعات است و درک شیء در هر مرتبه، نسبت به مراتب مادون بساطت دارد؛ لذا درک عقلی بسط درک خیالی و درک خیالی بسط درک حسی است و برعکس؛ ادراک حسی بست ادراک خیالی و ادراک خیالی بست ادراک عقلی می‌باشد (تصویر ۱۰).

۴-۳. عوالم هستی و رابطه‌ی آن‌ها با مراتب ادراک انسان (تناظر مراتب ادراک و وجود)

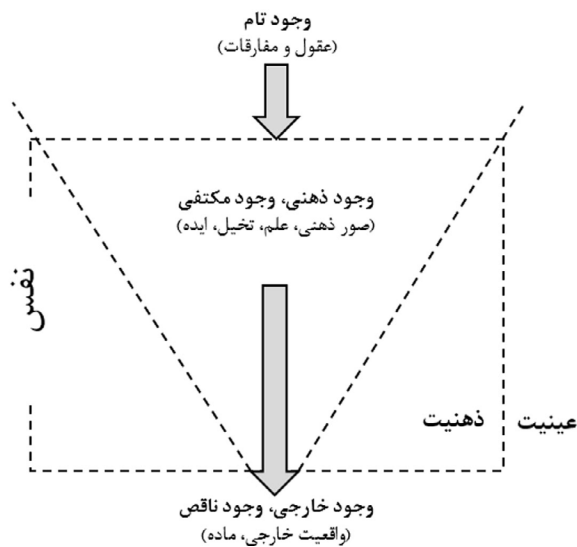
به اعتقاد ملاصدرا سه عالم کلی وجود تحقق دارد: ۱. عالم محسوسات، که همان عالم دنیا است؛ ۲. عالم مثال، یعنی عالم صور مقداری که عیناً نظیر عالم محسوسات است؛ با این تفاوت که عاری از ماده می‌باشد؛ ۳. عالم معقولات، که مجرد از ماده و خواص مادی است؛ از طرف دیگر گفته شد که انسان دارای سه نوع ادراک حسی، خیالی و عقلی است؛ و انسان حقیقتی است که به‌وجود اعتبار هر قوه‌ای از قوای ادراکی خود، در یکی از عوالم وجود واقع می‌شود، بدین‌گونه که با درک محسوسات در عالم حس؛ در حال ادراک خیالی در عالم مثال و در حال ادراک کلیات و مقولات در عالم عقول قرار می‌گیرد (ارشدرباحی و واسعی ۱۳۹۰، ۹). لذا بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه؛ انسان ظرفیت تعامل با همه‌ی عوالم هستی را داراست (تقدیر ۱۳۹۶، ۶۳).

۴-۴. اصالت و بساطت وجود

مدعای صدرالمتألهین و طرفداران اصالت وجود این است که واقعیت‌های خارجی مصداق‌های بالذات مفهوم وجودند و ماهیات، از موجودیت بالعرض و از وجود اعتباری برخوردار هستند. صدرا در این باره می‌گوید: «وجود ممکن نزد ما، موجود است بالذات؛ و ماهیت به‌عین این وجود موجود است بالعرض» (صدرالدین شیرازی ۱۳۴۲، ۵۴).

این موجود در مراتب بالاتر دارای وجودی شدیدتر و بسیط‌تر نسبت به مراتب پایین‌تر خود می‌باشد که «اجسام» از جمله مراتب نازل وجود هستند (برهانی‌فر و قربانی‌آندره‌سی ۱۳۹۰، ۱۳۸). به‌عبارتی مراتب بالاتر وجود، علت یا «بسط»

عوامل نیز سه‌گانه‌اند که هر کدام از آن‌ها، بخشی از علم، به معنی صورت علمی هستند. ذهن نیز مرتبه‌ای از وجود است؛ آنچه در عالم هست، درجات شدید و ضعیف علم است. تفاوت وجود ذهنی با وجود خارجی نیز تفاوت در فاعل می‌باشد؛ فاعل یکی نفس و فاعل دیگری باری تعالی است (جوادی آملی ۱۳۷۵، ج ۴، ۴۳). ملاصدرا، به‌طور کلی انجام هر کاری به واسطه‌ی تحریک اعضاء را مسبوق به ثبوت صور ذهنی مربوطه دانسته؛ به عبارتی تصورات ذهنی در افعال اختیاری نقش دارند؛ مانند طرح خانه یا شیء دیگری در خارج که در ابتدا به صورت تصورات ذهنی، سبب به حرکت افتادن نیروی فاعلی و محرک اعضاء شده‌اند لذا واقعیت خارجی از آن‌ها متأثر می‌گردند. صدرا گاهی این تأثیرگذاری را بی‌واسطه دانسته‌است؛ مثل تصور تُرشی یا تصور افتادن، که به ترتیب باعث لرزش پوست و افتادن در خارج می‌شوند (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱م، ج ۱، ۲۷۵). تصاویر ذهنی که دارای وجود ذهنی هستند، در ظل علم تحقق می‌یابند و وجود آن‌ها تبعی است؛ اما نه به تبع وجود خارجی، بلکه به تبع علم (تصویر ۱۱).



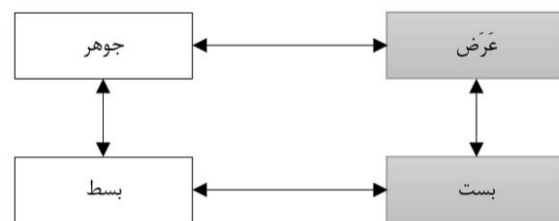
تصویر ۱۱. عینیت و ذهنیت در وجودات تام، مکتفی و ناقص، و رابطه‌ی بین آن‌ها در حکمت متعالیه (مأخذ: نگارندگان)

۸-۴. اصل خلاقیت نفس

این اصل یکی از اصول ابداعی ملاصدرا در باب عینیت ذهن با جهان خارج است. از نظر ملاصدرا، نفس دو نوع فعالیت دارد: نوع اول، فعالیت بی‌واسطه نفس است که در اصطلاح فلسفه‌ی اسلامی، «فعل قیومی» نامیده می‌شود. در این نوع فعالیت، فعل از نفس صادر می‌گردد به گونه‌ای که میان نفس و محصول فعل آن، هیچ گونه واسطه‌ای وجود ندارد.

۶-۴. حرکت جوهری و بساطت جوهر

ملاصدرا باتکیه بر براهین متعدد ثابت کرد که وجودهای مادی اساساً وجودهای تدریجی هستند که در هر لحظه وجودی تازه می‌یابند؛ در واقع حرکت از عوارض تحلیلی وجود سیال است نه آن که وصفی باشد که از بیرون به آن ضمیمه شود؛ بنابراین سیلان و تجدد، نحوه‌ای از هستی است و موجودات متحرک، نحوه‌ی هستی یافتن‌شان که چیزی جز بودن‌شان نیست، به نحو تدریج و «سیلان» تصویر می‌گردد. ملاصدرا مطابق اصل حرکت جوهری، نفس را نیز محصول حرکت جوهری بدن می‌داند (صدرالدین شیرازی ۱۴۲۸ق، ج ۹، ۸۴-۸۵). در نظر او نفس موجود خاصی است که در پیدایش و ظهور، نیازمند زمینه‌ی مادی است؛ ابتدا به صورت جسم ظاهر می‌شود و آنگاه از طریق حرکت جوهری، به نفس مادی، نفس حیوانی و سرانجام نفس ناطقه‌ی انسانی تبدیل می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲، ۳۱۵-۳۱۶). انسان در مرتبه‌ی نفس حیوانی، تصاویر حاصل از ادراک خیالی را «تخیل»؛ در صورتی که در مرتبه‌ی نفس ناطقه‌ی انسانی، تصاویر حاصله از ادراک خیالی را «تفکر» می‌کند (تقدیر ۱۳۹۶، ۵۶). تمامی این مراحل در جوهر ابتدایی به نحو بالقوه تحقق دارند و سپس از طریق تحول ذاتی درونی و طی تمامی این مراحل وجودی، در نهایت از تعلق ماده و قوه آزاد و بسیط می‌گردند لذا می‌توان گفت که نفس در مراتب روحانی دارای بساطت نسبت به مراتب جسمانی خود است؛ همچنین است بسط وجودی جواهر نسبت به عوارض آن‌ها؛ به عبارتی عوارض به نوعی بست جواهرند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. رابطه‌ی بین بسط جوهری و بست عرضی

۷-۴. تأثیرات ذهن

از نظر ملاصدرا، وجود بر سه قسم تام، مکتفی و ناقص است. تام، عالم عقول محض و عبارت از صور مفارق و جدا از عالم ابعاد و اجرام و مواد است. وجود مکتفی عبارت است از عالم نفوس حیوانی، که همان صورت‌های مثالی و اشباح مجرد می‌باشند. وجود ناقص نیز عالم صور قائم به مواد و متعلق به آن‌هاست که همان صور حسی هستند. گفته شد که



و انسان مَدْرک کلیات است (تفکر از طریق قوه‌ی متفکره) (مطهری ۱۳۶۶، ج ۱، ۳۰۸). در میان حکیمان مسلمان، بیش از همه، ملاصدرا به مسئله کلیات پرداخته و معتقد است که کلی، جزئی مبهم شده نیست و جزئی با تعالی، کلی می‌شود؛ و در واقع کلی مفهومی واحد، بسیط و غیرقابل تجزیه است (محقق داماد ۱۳۸۱، ۲۵).

۴-۹. نقش خیال در خلاقیت نفس

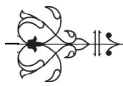
در اصطلاحات فلسفی، نام دیگر خیال، برزخ است و برزخ به معنای حائل میان دو چیز است (میان ماده و مجرد محض، میان جسم و روح). حکمای اسلامی حد فاصل میان مادیات و مجردات صرف را عالم مثال خوانده‌اند؛ البته این عالم در نظر شیخ شهاب‌الدین سهروردی خیال منفصل و در نظر ملاصدرا خیال متصل شناخته می‌شود (ابراهیمی دینانی ۱۳۸۱، ۱۳). ملاصدرا این عالم خیال متصل را جوهری مجرد از اجسام و از قوای باطن انسان (نفس) می‌داند؛ مرتبه‌ی آن را متوسط بین درجه‌ی حس و عقل معرفی می‌کند؛ جایگاه آن را نفس انسان می‌داند؛ آن را حاوی صور متخیل مجردی می‌داند که وجود یا عدم وجود صور در آن، به توجه و غفلت نفس بستگی دارد (صدرالدین شیرازی ۱۴۳۲ق، ج ۳، ۴۰۴؛ ج ۲، ۵۴؛ ج ۱، ۲۱۶). ابن عربی و ملاصدرا نیروی خیال را نفسانی و دارای نیروی «ایجادکننده» می‌دانند و آن را شبیه نور که سبب شناسایی و «کشف» اشیا می‌شود؛ تبیین می‌کنند (عفیفی ۱۳۸۶، ۱۲۶-۱۲۵؛ و تلمسانی ۱۳۹۲، ۱۶۵). آن دو معتقدند صور خیالی موجود در نفس گاهی بر آنچه در خارج رخ می‌دهد، منطبق است و گاهی بر تصویر صوری منطبق است که اصلاً وجود خارجی ندارند (ابن عربی ۱۹۴۶م، ج ۲، ۷۸ و آشتیانی، بی‌تا، ۴۱). آن که وجود خارجی ندارد؛ از ناحیه‌ی بسط عقلی و از طریق اضافه‌ی اشراقی به نفس وحی و یا الهام می‌شود و در قوه‌ی خیال منجر به بست و درک نفسانی می‌گردد ولی آنچه در خارج روی می‌دهد؛ از ناحیه‌ی بسط حسی و از طریق مطالعات ضمنی یا علمی به درک نفس می‌آید و منجر به بسط نفسانی می‌شود و نفس در مقام خیال آنها را به صورت تصاویری درک می‌کند؛ ملاصدرا در هر دو حالت وجود چنین تصاویری را مخلوق و مجعول بسیط نفس در مقام وهم و خیال می‌داند (آشتیانی بی‌تا، ۴۱).

در ادراکات حسی، مواجه شدن و روبرو شدن شخص ادراک‌کننده با امر مورد ادراک او، یک امر ضروری به شمار می‌آید ولی در مورد ادراکات خیالی وضع چنین نیست؛ زیرا آنچه از طریق خیال در حوزه‌ی ادراک انسان واقع می‌شود هر چند از یک جهت همانند یک موجود محسوس دارای شکل و مقدار است، ولی از جهت دیگر، ماده و مدت ندارد و روبرو

صادرکننده همواره حضور دارد و به محض غیبت، محصول فعل آن نیز از بین می‌رود؛ برای مثال وقتی انسان صورت برج صد طبقه‌ای را در ذهن تصور می‌کند، برج ذهنی، صادر نفس است و به محض غفلت و ترک توجه، اثری از برج باقی نمی‌ماند. نوع دوم از فعالیت‌های نفس، اموری است که خارج از ذهن تحقق می‌یابند؛ مثل طرحی که مهندس برای ساختمان ارائه می‌دهد؛ اصل طرح از نوع فعالیت‌های دسته اول، یعنی افعال بی‌واسطه بوده و در ذهن مهندس وجود یافته است؛ ولی صورتی که در خارج به عنوان طرح منعکس می‌شود، از دسته دوم بوده؛ به این معنا که نفس مهندس در بقای آن حضور نخواهد داشت و حتی اگر او از میان برود، طرح برجای خود باقی می‌ماند (محقق داماد ۱۳۸۱، ۲۲). از نظر ملاصدرا، معلوم بالذات با نفس آدمی متحد است و تفکیک‌پذیر نیست، ولی واقعیت‌های خارجی که در اصطلاح صدرا معلوم بالعرض است، خارج از ذهن آدمی وجود دارد. ملاصدرا به فعالیت‌های معلوم بالذات نفس توجه می‌کند (همان، ۲۵-۲۴). او معتقد است که نفس، علاوه بر توانایی آگاهی از آنچه در حواس و مغز و دیگر نیروهای درونی او می‌گذرد، قدرت خلاقیت دارد و با این خلاقیت که ذاتی آن است، می‌تواند هر صورتی را بسازد و به آن نوعی وجود ببخشد که به آن «وجود ذهنی» می‌گویند. نفس انسان حتی می‌تواند تصورات و تصدیقاتی محال و معدوم و حتی خود «عدم» را در ذهن مجسم کند و به آن‌ها احکامی ایجابی یا سلبی دهد. طبق نظر صدرا و بر خلاف نظریه‌ی کانت، صورت‌هایی که در ذهن انسان به وجود می‌آیند، از بیرون در آن وارد نشده و حلول نکرده است؛ بلکه در آن کارگاه تولید و «صادر» شده است. به تعبیر او، ارتباط و وابستگی صورت‌ها در ذهن، «صدوری» است، نه «حلولی». پس، صدرا برخلاف دیگر فلاسفه‌ی مسلمان، ادراک را به صورت حلول تصویر مستقیم عین به ذهن، و فرآیندی انفعالی و انعکاسی نمی‌داند؛ بلکه آن را آفرینش صورت اشیا و محصولی با فعالیت و خلاقیت ذهن می‌داند.

یکی دیگر از خلاقیت‌های نفس، خلق کلیات است. درک مفاهیم کلی از خلاقیت‌های مهم نفس است. به نظر حکمای اسلامی، این بخش از قدرت نفس، به بُعد غیرمادی آن مربوط می‌شود. چیزی که ماده است، ابعاد سه‌گانه دارد؛ در حالی که مفاهیم کلی چنین ویژگی‌هایی ندارند و اگر چنین بود، قابل صدق بر کثیر نمی‌شدند. حکمای پیشین همه‌ی ارزش‌ها را در ذهن، برای تصورات، کلی می‌دانستند و در حقیقت، یکی از تفاوت‌های انسان با سایر حیوانات را همین درک کلیات معرفی می‌کردند. آنان معتقد بودند که حیوانات فقط جزئیات را تصور می‌کنند (تخیل از طریق قوه‌ی متخیله)؛





واقع در عالم ابداع) حاصل می‌گردد؛ بدین معنی که از طریق اشراف و اتصال نفس به ذوات عقلی، شعاع و جلوه‌ای از آن ذوات نوری به نام صورت عقلی (که دورنمای ذوات عقلی نوری است) در ش تجلی می‌کند (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱م، ج ۱، ۲۸۸)؛ و به اصطلاح می‌توان گفت که حدس قدسی شکل می‌گیرد. از آن جایی که همه‌ی معماران، اتصال به ذوات نوری عقلی از طریق اضافهی اشراقی ندارند، لذا می‌توان به طور کلی مرتبه‌ی حدس قدسی را در این فرآیند، «حدس» نامید که بست آن سبب «کشف» در مرتبه‌ی خیال و «ایجاد» در مرتبه‌ی حس می‌شود که در این صورت عالم محسوس بیشتر از طریق «مطالعات ضمنی» پیرامون موضوع شیء یا مسئله‌ی طراحی، فقط دریچه و روزنی برای عقل می‌سازد و آن را برای نگاه حدس‌زننده‌ی خود دقیق و حساس می‌کند. عقل نسبت به خیال بسیط ولی عامل بست خیالات و به‌نوعی عقل، پای‌بند، کنترل‌کننده و تعیین‌کننده‌ی حدود لازم برای شیء و طراحی است. به‌عبارتی انسان دارای مجموعه‌ای از رفتارهای پیچیده است و عقل نقش نظارت و حکمرانی بر آن‌را به‌عهده‌دارد.

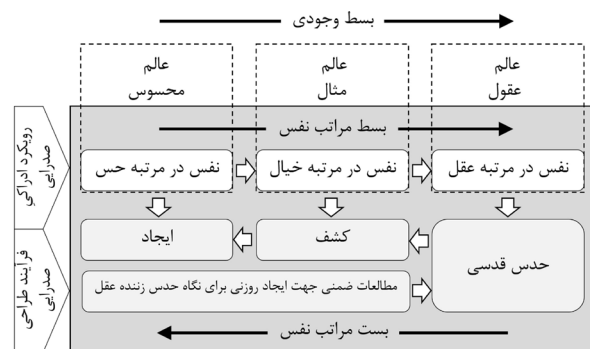
ازسوی دیگر ملاصدرا برای عقل، به‌عنوان یکی از مراتب و شئون نفس، قائل به عقل عملی و نظری است. به نظر ملاصدرا در نفس انسانی دو قوه به نام قوه علامه و قوه فعاله وجود دارد که همان عقل نظری و عقل عملی است. صدرا در کتاب شواهد الربوبیه چنین نوشته‌است:

«برای نفس انسان به اعتبار داشتن مزیت قبول و فراگیری علوم از مافوق خویش (یعنی عالم عقول) و قدرت بر تدبیر و تصرف در مادون خویش، دو قوه‌ی دیگر به نام قوه علامه و عماله است که با قوه اول تصورات و تصدیقات را ادراک می‌کند، حق و باطل را در مورد آنچه که تعقل و ادراک می‌کند تشخیص می‌دهد و به صحت و بطلان آن‌ها پی‌می‌برد و این قوه عقل نظری است. با قوه دوم اعمال صنایع از قبیل ساختمان‌ها و عمارات، نقشه‌کشی و طراحی‌های دلفریب، پرداختن صور و اشکال فریبنده از فلزات و احجار کریمه و یا حسن و قبح انجام و ترک اعمال شایسته و ناشایسته را استنباط می‌کند و عمل نیک و پسندیده یا عمل زشت و نکوهیده و انجام و ترک آن‌ها را تشخیص می‌دهد و به خوبی و یا بدی آن‌ها اعتقاد حاصل می‌کند و این قوه، عقل عملی نامیده می‌شود» (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۵، ۳۰۰-۲۹۹)

با استناد به سخن صدرا می‌توان در فرآیند طراحی، نقش مرتبه‌ی عقل در نفس را، ارزیابی حق و باطل (با استفاده از عقل نظری) و یا حسن و قبح (با استفاده از عقل عملی) طرح‌مایه‌ی ایجادشده در مرتبه خیال دانست.

تصویر ۱۳ در یک جمع‌بندی، فرآیند طراحی در نفس و

شدن شخص ادراک‌کننده با امر مورد ادراک لازم و ضروری نیست. خیال از یک طرف معقولات را به صورت جسمانی (تمثیل و تشبیه) و از طرف دیگر محسوسات را به صورت مجرد در می‌آورد؛ لذا عالم تَرَوُح اجساد و تَجَسُّم ارواح است (پیراوی‌ونک ۱۳۸۸، ۱۲۶). از دیدگاه ملاصدرا، ادراک خیالی استعداد آن‌را دارد که صور حسی را به شکل یک کل منسجم بامعنا درآورد (پروین‌پیراوی ۱۳۸۱، ۹۵). به‌عبارت‌دیگر، کلیت گرفتن جزئیات عالم حس (یا عالم ماده) برای اولین بار در عالم خیال و پس از آن در عالم عقل، توسط نفس روی می‌دهد. با استناد به مبانی ملاصدرا در حوزه نفس و قوه‌ی خیال و آنچه در مبانی نظری این تحقیق گذرانده شد، می‌توان در فرآیند طراحی، نقش مرتبه‌ی خیال در نفس را، کشف‌کننده، خالق و یا ابداع‌کننده‌ی «طرح‌مایه» دانست. لذا آنچه در فرآیند طراحی حاصل از مبانی صدرایی می‌توان بدان اذعان داشت؛ تناظر مرتبه‌ی خیال در نفس، با مرتبه‌ی «کشف» اشیا است. این مرتبه‌ی کشف، بسیط و دارای نیروی ایجادکننده (بست‌دهنده) نسبت به مرتبه‌ی حس است؛ لذا مرتبه‌ی خیال یا «کشف»، بسط مرتبه‌ی حس یا «ایجاد» و مرتبه‌ی حس یا «ایجاد»، بست مرتبه‌ی خیال یا «کشف» می‌باشد (تصویر ۱۲).

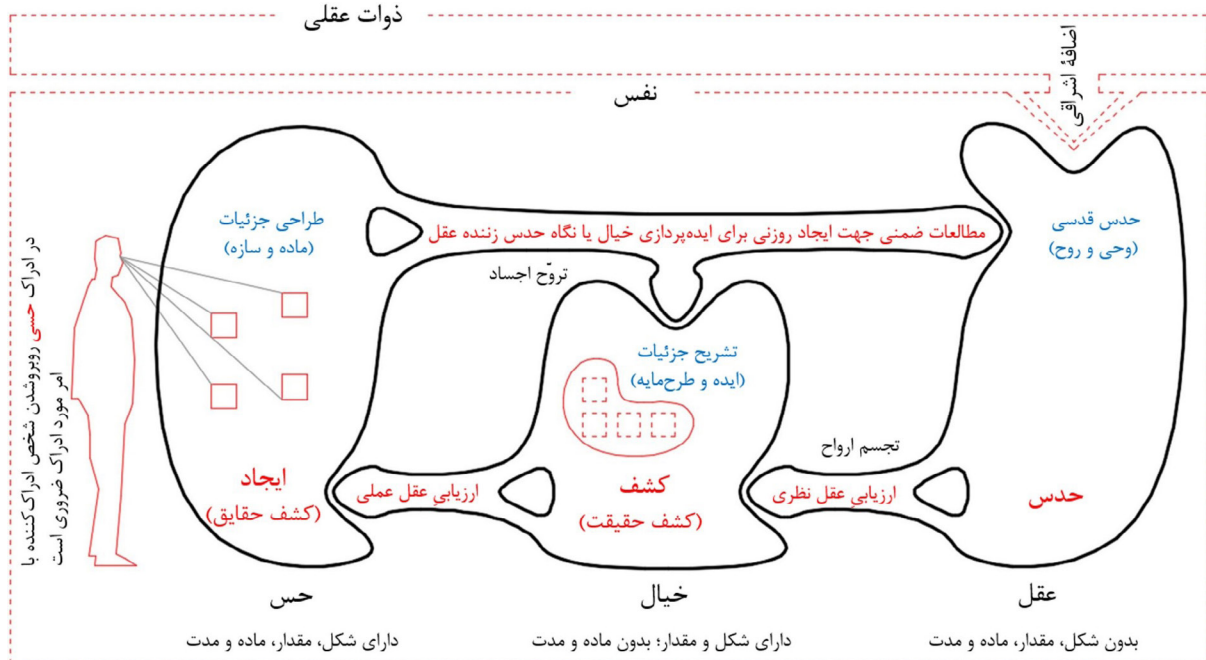


تصویر ۱۲. فرآیند طراحی «کل به جزء» یا «ایده به پدیده»، براساس بست و بسط وجود و نفس با استناد به مبانی صدرایی (مأخذ: نگارندگان)

۴-۱۰. نقش مرتبه‌ی عقل در نفس

گفته‌شد که نفس نسبت به صور حسی و خیالی، سمت خالقیت، فاعلیت و ابداع دارد و پس از مواجه با امور خارجی، بی‌درنگ صورتی نظیر آن‌ها ولی عاری از ماده را در ذات خویش ایجاد می‌کند و پس از غیبت امور خارجی و یا انعدام آن‌ها، نظیر آن‌ها را در قوه‌ی خیال انشاء، ابداع و کشف می‌کند (ارشدریاحی و واسعی ۱۳۹۰، ۲۰). اما حال نفس نسبت به صور عقلی تنها از طریق اضافهی اشراقی و ارتباط و اتصالی است که برای نفس نسبت به ذوات عقلی (مثل مجردی نوری

نقش مرتبه‌ی حس، خیال و عقل در آن را از منظر حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا نشان می‌دهد.



تصویر ۱۳. فرآیند طراحی در نفس و نقش مرتبه‌ی حس، خیال و عقل در آن از منظر حکمت متعالیه‌ی ملاصدرا (مأخذ: نگارندگان)

۵. قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه و نقش بساطت نفس در فرآیند ادراک و طراحی صدرایی

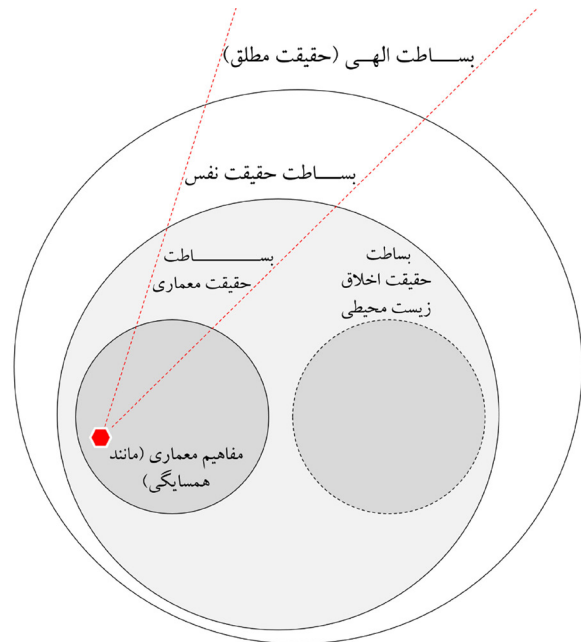
قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه اولین بار توسط ملاصدرا تبیین و اقامه‌ی برهان شده و در عرفان اسلامی جایگاهی پس رفیع دارد. عبارت کامل قاعده این است: «بسیط‌الحقیقه کل الأشياء و لیس بشیء منها» به معنی «بسیط‌الحقیقه، کل الأشياء است و هیچ‌یک از آنها نیست» و ثابت می‌کند که واجب‌الوجود از آنجایی که بسیط‌الحقیقه است، واجد کمالات و جهات وجودی تمام اشیاء؛ و فاقد حدود، تعینات و نقایص آنهاست. به عبارتی «او»، تمام اشیاء است و هر چه تمام چیزی شد به آن شیء از خود آن سزاوارتر است، پس واجب تعالی از هر چیزی به خود آن چیز لایق‌تر است؛ زیرا هر موجود در مرتبه‌ی خود با فقدان‌ها و تعیناتش همراه است ولی برای بسیط‌اش به نحو اعلی و کامل و بدون تعین حضور دارد (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸، ج ۶، ۹۱-۹۳). ملاصدرا خود از این قاعده در حل مسائلی از جمله «النفس فی وحدتها کل القوا» (کل القوی بودن نفس) استفاده کرده و نفس را نسبت به قوای مادونش بسیط دانسته و به طور کلی می‌توان گفت هر چیزی که نسبت به مادونش بسیط باشد مشمول قاعده فوق می‌گردد. نفس انسان در آفرینش، مثال خدا و همچون او بسیط است و اقتضای این

بساطت، ظهور خاصیتی مشترک در هر دو، یعنی نوعی شمول همه‌جانبه و جامعیت نسبت به جمیع مراتب مادن می‌باشد؛ اما از آنجا که نفس، مثل خدا نیست، این جامعیت در باب خدا حقیقی و مطلق بوده و همه‌ی اشیای وجودی را شامل می‌شود، اما در خصوص نفس، محدود و نسبی است و فقط شامل مراتب و قوای خود نفس می‌گردد (سعادت‌مند و بابایی ۱۳۹۸، ۵۷). به عبارتی حق تعالی در حیطه‌ی وجودی خود که شامل همه‌ی هستی می‌باشد؛ بسیط است و نفس نیز در حیطه‌ی وجود خود بسیط بوده و بر جمیع مراتب مادون خود (قوای خود) احاطه دارد^{۳۴}. همان‌طور که خود نفس با جمیع قوا و مراتبش، به مانند سایر مراتب هستی در طول واجب تعالی قرار می‌گیرد؛ بساطت نفس نیز در طول بساطت اوست و جلوه‌ای از آن به شمار می‌آید؛ لذا قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه» بر قاعده‌ی «کل القوی بودن نفس» محیط است (همان). بدین ترتیب، بساطت نفس نسبت به قوای مادونش، محاط در بساطت واجب‌الوجود نسبت به کل نظام هستی مطرح می‌شود و از آنجا که معماری نیز فعل قوای نفس می‌باشد؛ لذا محاط در بساطت نفس مطرح گشته که البته خود نیز می‌تواند نسبت به مؤلفه‌های مادون‌اش (مثل مفهوم همسایگی) بسیط لحاظ گردد (تصویر ۱۴).

توجه قرار گرفته است. این اسکیس‌ها که در ابتدای طراحی پروژه توسط گهری طراحی می‌شوند؛ ایده‌های مبهم وی را به زبان خط و ترسیم ترجمه می‌کنند. گهری علاوه بر اسکیس‌های دستی، روند طراحی خود را با ساخت ماکت‌های فرمال و شماتیک و در برخی مواقع در مقیاس‌های واقعی تکمیل می‌کند. با توجه به اسنادی که از مراحل طراحی آثار گهری منتشر شده‌است می‌توان گفت که این روند کمابیش در تمامی آثار گهری قابل تشخیص‌است (نبی‌زاده ۱۳۹۲، ۸). در موزه‌ی گوگنهایم بیلپائو اثر فرانک گهری موارد متعددی در مقیاس و زمینه‌های متفاوت قابل تشخیص می‌باشد: ۱. تبدیل ساختمان موزه به‌اثری هنری و بخشی از گنجینه موزه، ۲. استفاده از معماری برای تغییر هویت بستر طرح یعنی شهر بیلپائو، و ۳. خلق الگوی جدیدی از رابطه‌ی میان فرم و عملکرد در عرصه‌ی معماری. هرکدام از این زمینه‌ها، به ایده‌هایی کلی در ذهن معمار تبدیل شده‌اند. نظیر توجه به جنبه‌های فرمال و تندیس‌گرایی، شاخص ساختن بنا در بستر به واسطه تضاد با معماری موجود و رهایی فرم ساختمان از محدودیت‌های عملکردی. هریک از این ایده‌های اصلی به ایده‌های جزئی‌تر تبدیل شده و سرانجام به کمک راه‌کارهای معمارانه، در جهان ماده حضور یافته و کالبد فضایی و فیزیکی بنا را خلق می‌کنند (همان، ۷).

ب) در موزه‌ی جنگ امپریال، اثر لیبسکیند (Libeskind)، کانسپت طرح: پیوند موضوع طرح با مفهوم، تاریخ، و تصاویر ذهنی رایج، درخصوص پدیده‌ی جنگ می‌باشد. جهت دستیابی به این کانسپت از ایده‌های متفاوتی در طرح استفاده شده‌است. نمونه‌ای از ایده‌های معمار انعکاس ریشه‌های جنگ یعنی برخورد، تضاد و رقابت در پلان و نمود کالبدی طرح است. در این مقیاس‌ها ایده‌ها می‌توانند تأثیراتی کلی بر ساختار طرح داشته‌باشند؛ اما تا اینجا ذهن معمار بر عینیت طرح مستولی بوده و مفاهیم نظری و تئوریک در اولویت می‌باشند. پیداست که نیل به این ایده‌ها در گرو راه‌کارهای معمارانه‌ایست که ایده‌های نظری را به فضا، مکان و فرم تبدیل می‌کند: راه‌کارهایی نظیر شکست‌ها و زوایای تند در پلان، آشوب و بی‌نظمی در نما و برخوردها و ترکیب‌های نامتعارف احجام در فرم (نبی‌زاده ۱۳۹۲، ۷).

بدین ترتیب کانسپتی نظری پیرامون جنگ و هستی، پس از گذار از دریچه‌ی ایده‌ای فرمال – که بستر وقوع کانسپت را ممکن می‌سازد – به‌حجم و در نهایت ساختمان تبدیل شده‌است.



تصویر ۱۴. بساطت در سه سطح زیر قابل بررسی است:

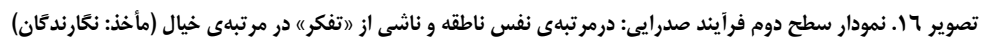
۱. بساطت الهی (حقیقت مطلق) – مصداق حقیقی قاعده بسیط‌الحقیقه.
۲. بساطت حقیقت نفس – که جلوه‌ای از بساطت الهی است.
۳. بساطت حقیقت معماری – که جلوه‌ای از بساطت حقیقت نفس است. هر مفهوم معماری را می‌توان پرتویی از بساطت حقیقت نفس است. خود نیز می‌تواند در مرتبه‌ی خودش بسیطی برای مولفه‌ها و مفاهیم مادون خود باشد (مانند بساطت محله برای همسایگی؛ بساطت همسایگی برای خانه، بساطت خانه برای حیاط؛ بساطت حیاط برای اتاق‌ها؛ بساطت اتاق برای پنجره؛ و...) (ماخذ: نگارندگان)

۶. یافته‌های تحقیق

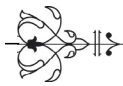
بر اساس مطالعات انجام‌شده در خصوص فرآیند طراحی و مبانی صدرایی، یافته‌های این تحقیق شامل سه سطح مدل فرآیند طراحی در بستر نفس انسان‌یست که در زیر تصویر و تشریح می‌گردند:

سطح اول این فرآیند که در تصویر شماره ۱۵ نشان داده شده‌است؛ در مرتبه‌ی نفس واهمه بوده و ناشی از «تخیل» قوه‌ی خیال در مرتبه‌ی خیال است که پس از مواجهه با مسئله، در ادراک خیال منبسط و تعمیق گشته‌است. کشف تصاویر ذهنی جدید، محصول «تخیل» صور اشیایی که در ذهن هستند (علم قدیم)؛ می‌باشند. نمونه‌های زیادی از این فرآیند را می‌توان در آثار معماران معاصر که دارای پشتوانه‌ی فلسفی‌اند؛ مشاهده نمود. در زیر بر اساس مبانی فوق، آثار دو معمار و معماری شاخص آورده می‌شود:

الف) نزد تمامی کسانی که به تحقیق پیرامون فرآیند طراحی معماری علاقه دارند، اسکیس‌های دستی فرانک گهری (Frank Gehry) بیش از هر معمار دیگری مورد

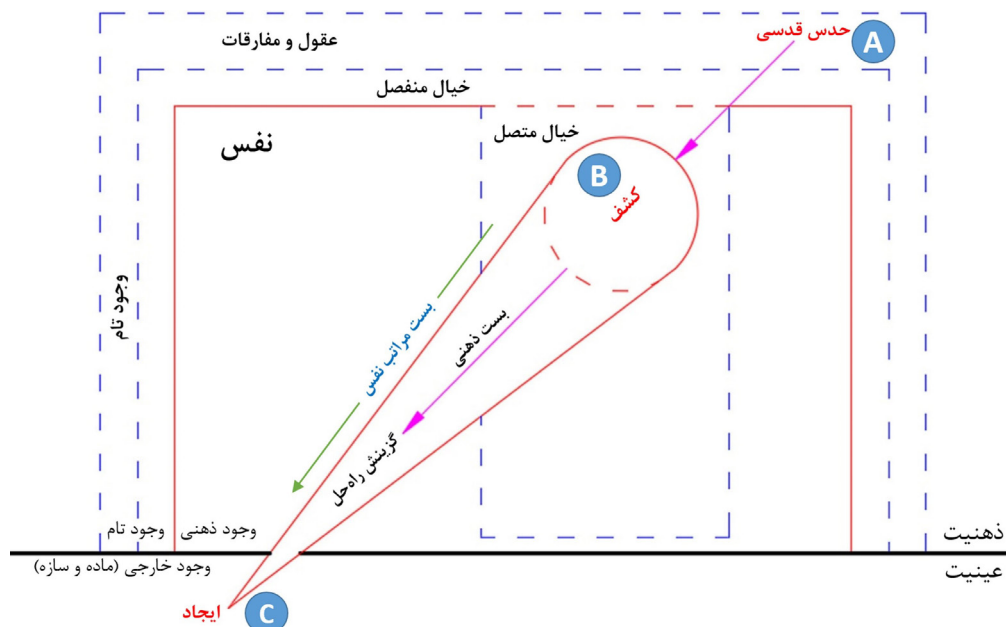


سطح دوم این فرآیند که در تصویر ۱۶ نشان داده شده است؛ در مرتبه‌ی نفس ناطقه بوده و ناشی از «تفکر» قوه‌ی خیال در مرتبه‌ی خیال است که پس از مواجهه با مسئله، در ادراک خیال منبسط و تعمیق گشته‌اند و کشف تصاویر ذهنی جدید، محصول «تفکر» صور اشیائی که در ذهن هستند (علم قدیم) و اضافات اشراقی الهامی از مرتبه‌ی عقلی می‌باشند که پس از گذار از خیال منفصل (عالم مثال) به خیال متصل



زمان حضرت یوسف (ع) ملاحظه نمود.

می‌توان در معماری پیامبران دینی مانند خانه‌ی کعبه در زمان حضرت ابراهیم (ع)، سیلوهای نگهدارندگی خوشه‌های گندم در



تصویر ۱۷. نمودار سطح سوم فرآیند صدرایی: در مرتبه‌ی نفس ناطقه و ناشی از الهام و وحی مستقیم از عالم عقول (مأخذ: نگارندگان)

۷. نتیجه‌گیری

با دقت در فرآیندهای موجود در سطوح ۱ و ۲ فرآیند طراحی صدرایی ناشی از یافته‌های تحقیق، مشاهده می‌شود که این دو سطح نیز مانند فرآیندهای طراحی موجود اخیر که ذکر آن رفت؛ دارای سه مرحله‌ی مواجهه با مسئله، تعمیق مسئله (در یک بستر بساطت) و راه‌حل می‌باشند؛ ولی سطح سوم که شامل وحی و الهام از عوالم بالاست؛ دارای این قید و بند نیست؛ با این حال بسط عوامل بالا نسبت به عوالم پایین یا به عبارتی بسط عالم عقل نسبت به عالم خیال و خیال نسبت به عالم حس را در این سطح می‌توان مشاهده نمود.

از آن‌جاکه گسترش قاعده‌ی «النفس فی وحدتها کل القوا» در قالب کلی‌تر نظام هستی و مرتبه‌ی واجب‌الوجود، تحت عنوان قاعده‌ی «بسیط‌الحقیقه کل الأشياء و لیس بشیء منها» مطرح است؛ لذا واجب‌الوجود به عنوان بسیط‌الحقیقه، کل وجودات مادون خود می‌باشد و کمال هر وجودی، حتی در نازل‌ترین مرتبه، از آن باری تعالی است. بدین ترتیب بساطت نفس نسبت به قوای مادونش، محاط در بساطت واجب‌الوجود نسبت به کل نظام هستیست و از آنجا که معماری نیز فعل قوای نفس از جمله قوه‌ی خیال می‌باشد؛ لذا محاط در بساطت نفس مطرح می‌گردد و این مهم در بستر قاعده‌ی بسیط‌الحقیقه‌ی

ملاصدرا به عنوان اصلی بنیادین در قلمرو هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی که کثرت را با سریان وحدت در کثرات مورد پذیرش قرار می‌دهد. رخ می‌دهد و پیامد آن فرآیند طراحی صدرایی است که در آن دو عامل مهم و کلیدی «بسط و بست» بسیار تعیین‌کننده‌اند و عوامل ارتباط عوالم حس و خیال و عقل هستند. در این فرآیند، بساطت ذهن و وجود طراح، در بساطت مسئله و بساطت راه‌حل ربط داشته و کثرت و یا بست ذهنی هم به کثرت مسئله و راه‌حل ربط دارد و هنر طراح خصوصاً در دو سطح اول این فرآیند، کشاندن مسئله از کثرت به بساطت و وحدت و ارائه‌ی راه‌حل‌های بسیط و وحدت‌گراست لذا فرآیندی است «کل به جزء» که از آن تعبیر به «ایده به پدیده» نیز می‌شود. در سطح دوم این فرآیند، عالم ماده یا حس، فقط دریچه و روزنی برای عقل می‌سازد و آن را برای نگاه حدس‌زننده‌ی خود دقیق و حساس می‌کند. در سطح سوم نیز فراتر از دو سطح قبل، شروع فرآیند خود از مرتبه‌ی بسیط بوده و نیازی به کشاندن مسئله از بست به بسط نیست و لذا صرفاً فرآیند نیست از بسط به بست.

به عنوان نتایج دیگر این تحقیق می‌توان چنین گفت که آنچه تاکنون، در فرآیندهای طراحی رایج مسکوت‌مانده، بحث نفس و نحوه‌ی تأثیر آن بر مدل‌های موجود است که می‌تواند



طراحی است که به نظر می‌رسد می‌تواند مسیرهای لازم و ارزشمندی برای فرآیند طراحی معماری ایجاد نماید که نویدبخش نگاه جامع بین پژوهش‌های فلسفی-معماری قبلی در حکمت‌متعالیه باشد.

به روند افقی مدل‌های فرآیند طراحی موجود، سیری عمودی از عالم ماده به خیال و عقل نیز بیخشد که در این سه سطح فرآیند صدرایی مشهود است.

نوآوری این تحقیق، مسیرپایی تکاملی در بستر فرآیندهای طراحی و مبانی صدرایی، جهت تحقق مدلی جامع از فرآیند

پی‌نوشت

(دهخدا ۱۳۷۷، ۳/۴۷۳۸؛ ۴۷۳۹؛ ۴۷۵۴؛ ۴۷۵۵؛ ۴۷۵۶؛ ۴۷۵۸)؛ این مقاله واژه‌ی «بست» را جهت مقابله با واژه‌ی «بسط»، اقتباس کرده و در ترکیب با واژه‌ی معماری آورده‌است (بست معماری) و منظور، محدود و محصور کردن، در بند کردن، نقش بستن، طراحی کردن و ساختن است. «خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست» (حافظ ۱۳۸۶، ۲۱).

۱۴. Battisto

۱۵. Franqui

۱۶. Cross

۱۷. Danfulani

۱۸. Salama

۱۹. Demirbas

۲۰. Demirkan

۲۱. Kolb

۲۲. Steadman

۲۳. احتیاج نفس به مغز، نیاز فاعل به ابزار است؛ همان‌طور که صاحب چشم ضعیف محتاج به عینک است، اما عینک مدرک نیست و تنها ابزار ادراک است (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱، ۲۱۱/۸).

۲۴. مثلاً سمع، نفس است که به صورت سامعه ظهور کرده و بصر، نفس است که به صورت باصره ظهور کرده و لمس، نفس است که در مرتبه‌ی لمس ظهور کرده و به همین ترتیب در حواس باطنی نیز خیال، نفس است در مرتبه‌ی نیمه‌مجرد و قوه‌ی عاقله، نفس است در مرتبه‌ی مجرد (سینوی ۱۳۹۸، ۱۳۷).

۱. Vitruvius

۲. Alberti

۳. Laugier

۴. LeCorbusier

۵. Archer

۶. Jones

۷. Rittel

۸. Lang

۹. Broadbent

۱۰. ویژگی «شناخت علمی»، عوامل مؤثر بر طرح شامل جنبه تخصصی، تحلیلی و تا حد امکان کمی آن است. این ویژگی حاصل آن اطلاعات را به صورت مجموعه‌ای از اطلاعات علمی، دقیق ولی جزئی درمی‌آورد (ندیمی ۱۳۷۸، ۹۹).

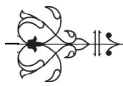
۱۱. مایکل پولانی طبیعت یادگیری و شناخت انسان را اساساً توجه به کل از زاویه‌ی اجزا می‌داند و آن را «شناخت ضمنی» می‌نامد (ندیمی ۱۳۷۸، ۹۹).

۱۲. Lawson

۱۳. واژه بست اسم مصدر است که در شکل با ماده ماضی یکی است. این واژه در فرهنگ معین به معنای بستن و منجمد کردن آمده‌است (معین ۱۳۷۵، ۵۲۸/۱؛ ۵۳۱). در فرهنگ دهخدا به معنای بند و سد، سد نمودن، بستن، پای‌بند، اسیر کردن، گره بستن، مقید کردن، حصار شهر، تصور کردن، خیال کردن، نقش بستن، تصویر کردن، بنا کردن، و به معنای رتق که مقابل واژه فتق به معنای بسط و گشاد آمده‌است

منابع

۱. ابراهیمی دینانی، غلام‌حسین. ۱۳۸۱. عالم خیال. خردنامه‌نامه صدرا (۲۸): ۱۸-۱۳.
۲. ابن عربی، محیی‌الدین بن عربی. ۱۹۴۶م. فصوص‌الحکم. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۳. ادیبی، علی‌اصغر، و مهرداد کریمی‌مشاور. ۱۳۸۹. بررسی تأثیر آموزش طراحی منظر به شیوه تکه‌انگاری. باغ نظر (۱۵): ۳-۱۲.
۴. ارشد ریاحی، علی، و صفیه‌واسعی. ۱۳۹۰. ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا. نشریه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام ۸۶ (۲): ۹-۴۵.
۵. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۸. یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم. ترجمه‌ی سعید زرین‌مهر. تهران: روزنه.
۶. آشتیانی، جلال‌الدین. بی‌تا. شرحی بر زاد‌المسافر. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. باستانی، مهیار، و امیرسعید محمودی. ۱۳۹۷. روش‌های خلق ایده و کانسپت در فرآیند طراحی. هنرهای زیبا (۲۲): ۱۸-۵.



۸. برهانی‌فر، محمدحسن، و معصومه قربانی آندره‌سی. ۱۳۹۰. بررسی تطبیقی تشکیک وجود با وحدت شخصی وجود در حکمت‌متعالیه. حکمت و فلسفه (۲): ۱۳۵-۱۵۷.
۹. پروین‌پیرروانی، لطیمه. ۱۳۸۱. نظرات صدرا درباره‌ی ادراک خیالی و عالم خیال. خردنامه صدرا (۲۹): ۸۷-۹۵.
۱۰. پیروای‌ونک، مرضیه. ۱۳۸۸. همراه با صدرا در ساخت خیال و مرگ. متافیزیک (۴ و ۳): ۱۱۳-۱۳۰.
۱۱. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۶. تبیین مراتب و فرآیند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت‌متعالیه. پژوهش‌های معماری اسلامی (۱۴): ۴۸-۶۹.
۱۲. تلمسانی، عقیف‌الدین. ۱۳۹۲. شرحی بر فصوص‌الحکم. مقدمه‌ی اکبر راشدی‌نیا. تهران: سخن.
۱۳. جواد‌ی‌املی، عبدالله. ۱۳۷۵. رحیق مختوم، جلد ۴. قم: اسراء.
۱۴. حافظ شیرازی، محمد. ۱۳۸۶. دیوان حافظ. به‌اهتمام محمدقزوینی و قاسم‌غنی. تهران: انتشارات کتاب‌سرای نیک.
۱۵. خیراللهی، مهران. ۱۳۹۲. دست‌نگاره‌های خیالی در فرآیند طراحی معماری. هویت شهر ۷ (۱۴): ۷۱-۸۲.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه‌ی دهخدا. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. سعادت‌مند، مهدی، و علی بابایی. ۱۳۹۸. نسبت قاعده بسیط‌الحقیقه و کل القوی بودن نفس در حکمت صدرایی. اندیشه دینی دانشگاه شیراز (۳): ۴۳-۶۰.
۱۸. سینوی، برکت‌الله. ۱۳۹۸. تبیین و بررسی النفس فی وحدتها کل القوا از منظر صدرالمآلهین شیرازی. مجله بین‌المللی متافیزیکا (۳): ۱۴۵-۱۳۱.
۱۹. صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم. ۱۳۴۲. المشاعر. تصحیح هانری کربن. تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه.
۲۰. _____ ۱۹۸۱م. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. _____ ۱۳۶۲. المبدأ و المعاد. مترجم احمدابن‌الحسینی‌اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۲. _____ ۱۳۶۸. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. قم: مکتبه المصطفی.
۲۳. _____ ۱۳۷۵. الشواهد الربوبیه. ترجمه و تفسیر جواد مصلح. تهران: سروش.
۲۴. _____ ۱۳۷۸. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، جلد ۸. طهران: الشرکه دارالمعارف الاسلامیه.
۲۵. _____ ۱۳۸۲. الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه. تصحیح و تعلیق جلال‌الدین آشتیانی. قم: بوستان کتاب.
۲۶. _____ ۱۴۲۸ق. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه. قم: طلیعه النور.
۲۷. _____ ۱۴۳۲ق. اسفار. قم: منشورات طلیعه‌ی نور.
۲۸. عقیفی، ابوالعلاء. ۱۳۸۶. شرحی بر فصوص‌الحکم شیخ‌اکبر محی‌الدین بن عربی. ترجمه‌ی نصرالله حکمت. تهران: الهام.
۲۹. علی‌آبادی، محمد، قاسم کاکایی، و محدثه غدیری‌نیا. ۱۳۹۱. واکاوی جایگاه خلاقیت هنری در حکمت صدرا باتکیه بر عالم امر و ابداع. خردنامه صدرا (۶۹): ۷۱-۸۶.
۳۰. علی‌تاجر، سعید. ۱۳۸۳. حکمت وجودی معماری با تکیه بر آراء صدرالمآلهین. استاد راهنما: هادی ندیمی، پایان‌نامه دوره‌ی دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهیدبهشتی.
۳۱. گودینی، جواد. ۱۳۹۹. ارائه تعریفی کل‌گرا از فرآیند طراحی معماری. باغ نظر ۱۷ (۹۱): ۲۹-۴۰.
۳۲. لاوسون، بری‌ان. ۱۳۸۴. طراحان چگونه می‌اندیشند (ابهام‌زدایی از فرآیند طراحی). ترجمه‌ی حمید ندیمی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۳. لنگ، جان. ۱۳۸۶. آفرینش نظریه معماری. ترجمه‌ی علی‌رضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۴. محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۱. نفس و خلاقیت‌های آن. خردنامه صدرا (۲۸): ۲۲-۳۰.
۳۵. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۶. شرح مبسوط منظومه. جلد ۱ و ۲ و ۳. تهران: حکمت.
۳۶. مظفر، فرهنگ، هادی ندیمی، و ابوذر صالحی. ۱۳۹۶. هستی‌شناسی مکان تاریخی، تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود. پژوهش‌های معماری اسلامی (۱۵): ۲۰-۳۳.
۳۷. معین، محمد. ۱۳۸۸. فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
۳۸. ناصرخاکی، حمید، و پیروز نوریان. ۱۳۹۰. بازنمایی الگوی فرآیند طراحی. صفه (۵۴): ۵۵-۶۲.
۳۹. نبی‌زاده، سیما. ۱۳۹۲. کانسپت، فرآیند طراحی در آثار معماران معاصر. مشهد: کسری.



۴۰. ندیمی، حمید. ۱۳۷۸. جستاری در فرآیند طراحی. صفحه (۲۹): ۹۴-۱۰۳.
۴۱. نقره‌کار، عبدالحمید، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۶. تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر (۱۹): ۹۳-۷۹.
۴۲. نگین تاجی، صمد، مجتبی انصاری، و حسنی پورمند. ۱۳۹۶. تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی. هنرهای زیبا (۴): ۷۱-۸۰.

References

- Adibi, Ali Asghar, and Mehrdad Karimi Moshawer. 2010. A Study of the Collage Method in Landscape Architecture Education. *Bagh-e Nazar* (15): 3-12.
- Afifi, Abul Alaa. 2007. A Commentary on the Fuss al-Hekam of Sheikh Akbar Mohi al-Din Ibn Arabi. Translated by Nasrullah Hekmat. Tehran: Elham.
- Alexander, Christopher. 2019. Notes on Synthesis of Form. Translated by Saeed Zarinmehr. Tehran: Rozeneh.
- Aliabadi, Mohammad, Qasem Kakai, and Muhaddese Ghadirinia. 2012. Analysis of the Place of Artistic Creativity in Sadra's Wisdom Based on the World of Matter and Innovation. *Sadra's Wisdom Publication* (69): 71-86.
- Ali-Tajer, Saeed. 2004. The Existential Wisdom of Architecture Based on the Opinions of Sadr al-Mutalahin. Supervisor: Hadi Nadimi, PhD Thesis, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Shahid Beheshti University.
- Arshadriahi, Ali, and Safiya Vasei. 2011. The Relationship between Levels of Existence and Levels of Perception According to Mulla Sadra. *Islamic Studies, Philosophy and Kalam* 86 (2): 9-45.
- Ashtiani, Jalaluddin. No Date. Commentary on Zad al-Musafer. Tehran: Islamic Propaganda Office.
- Bastani, Mehvar, and Amir Saeed Mahmoudi. 2018. Conceptualization Methods in the Design Process of Architecture. *Journal of Fine Arts* (22): 5-18.
- Battiŝto, Dina, and Deborah Franqui. 2014. Linking Programming, Design and Post Occupancy Evaluation: A Primary Care Clinic Case Study. In *Proceeding of the 2013 Architectural Research Centers Consortium (ARCC), Sprind Research Conference*: 361-369.
- Borhanifar, Mohammad Hassan, and Masoumeh Ghorbani-Andresi. 2011. The Comparative Scrutiny of The Evolutional Existence and The Personal Unity of Existence In Transcendental Wisdom. *Hikmat and Philosophy Quarterly* (2): 135-157.
- Cross, N. 2001. Designerly Ways of Knowing. *Design Issues* 17(3): 49-55.
- Danfulani, Babangida Idi. 2015. Concept of Creativity and Innovation in Architectural Design Process. *International Journal of Information Technology and Management* 6(1):16 – 20.
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1998. *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute.
- Demirbas, O. O., and H. Demirkan. 2003. Focus on Architectural Design Process through Learning Styles. *Design Studies* 24 (5): 437-456.
- Ebrahimi Dinani, Gholam Hossein. 2002. Alam Khyal. *Sadra Kheradnameh* (28): 13-18.
- Godini, Javad. 2020. Proposing a Holistic Definition of the Architecture Design Process. *Bagh-e Nazar* 17(91): 29-40.
- Hafez Shirazi, Mohammad. 2006. *Divan-e Hafez*. Edited by Mohammad Qazvini and Qasem Ghani, Tehran: Nik Bookstore Publications.
- Ibn Arabi, Mohi al-Din Ibn Arabi. 1946. *Fuss al-Hekam*. Beirut: House of Arab Heritage Revival.
- Javadi Amoli, Abdullah. 1996. *Rahiq Makhtoutum, Fourth Volume*. Qom: Israa.
- Khairullahi, Mehran. 2013. Visionary Drawing in Architectural Design Process. *City Identity* 7(14): 82-71.
- Lang, John. 2007. *Creation Architectural Theory*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University o Tehran Press.
- Lawson, Brian. 2005. *How Designers Think (Disambiguation of the Design Process)*. Translated by Hamid Nadimi. Tehran: Shahid Beheshti University Printing and Publishing Center.
- Mohagheg Damad, Seyyed Mostafa. 2002. Soul and Its Creations. *Khardname Sadra* (28): 22-30.



24. Moin, Mohammad. 2009. Farhang Farsi. Tehran: Amirkabir Publishing House.
25. Motahari, Morteza. 1987. An Extended Description of the Poem, Volumes 1, 2 and 3. Tehran: Hikmat.
26. Muzafer, Farhang, Hadi Nadimi, and Abuzar Salehi. 2017. The Ontology of Historic Places: An Ontological Contemplation on Historic Places in the Light of the Doctrine of Principality of the Existence. *Researches in Islamic Architecture* (15): 20-33.
27. Nabizadeh, Sima. 2013. Concept, Design Process in Works of Contemporary Architects. Mashhad: Kasri.
28. Nadimi, Hamid. 1999. Research on Scenario-Based Design in Architecture. *Soffeh* (29): 94-103.
29. Naserkhaki, AbdolHamid, and Pirouz Noorian. 2011. Representation of the Pattern of the Design Process. *Soffeh* (54): 62-55.
30. Negintaji, Samad, Mojtabi Ansari, and HassanAli Pourmand. 2017. Explanation of The Relationship Between Human and Place in Architecture Design Process by A Phenomenological Approach. *Journal of Fine Arts* 22(4): 80-71.
31. Noqrekar, Abdol Hamid, Farhang Mozaffar, and Samaneh Taghdir. 2017. Communication of Man and Universe in Islam: The Reflection in Islamic Architecture, Based on Transcendent Wisdom. *Armanshahr Architecture and Urbanization Journal* (19): 79-93.
32. Parvin Pirvani, Latimeh. 2002. Molla Sadra's Comments about Imaginary Perception and the Imaginary World. *Khardnameh Sadra* (29): 87-95.
33. Piravivanak, Marzieh. 2009. Following Sadra in The Realm of Imagination and Death. *Metaphysics* (3-4): 30-113.
34. Saadatmand, Mehdi, and Ali Babaei. 2019. The Relation between "Simple Reality" Rule and "The Soul, Whole Faculties" in Sadra's Philosophy. *Shiraz University's Religious Thought Quarterly* (3): 43-60.
35. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Ibn Ebrahim. 1963. *Al-Mashaeir*. Edited by Henry Corbin. Tehran: Iranology Section of the Iran and France Institute.
36. _____. 1981. *Al-Hikmat al-Muttaaliyyah fi al-Asfar al- Arba'ah*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
37. _____. 1983. *Al-Mabda and Al-Maad*. Translated by Ahmad Ibn-Hosseini Ardakani. With the Efforts of Abdullah Noorani. Tehran: Academic Publishing Center.
38. _____. 1989. *Al-Hikma al-Muttaliyyah in al-Asfar al-Aqliyyah al-Arba'ah*. Qom: Al-Mustafa School.
39. _____. 1996. *Al-Shawahd al-Ribubi'ah*. Translated and interpreted by Javad Mosleh. Tehran: Soroush.
40. _____. 1999. *Al-Hikmat al-Mu'taaliyyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Arba'ah*, Volume 8. Tehran: Al-Sharka Dar al-Ma'arif al-Islamiyya.
41. _____. 2003. *Al-Shawahd al-Ribubi'ah fi Manahaj al-Salukiyy'ah*. Corrected and revised by Jalaluddin Ashtianizad. Qom: Bo'stan Kitab.
42. _____. 2007. *Al-Hikmat al-Muttaaliyyah fi al-Asfar al- Arba'ah*. Qom: Taliyah al-Nur.
43. _____. 2011. *Asfar*. Qom: Manifests of the Advancement of Light.
44. Salama, Ashraf. 1995. *Education Architectural in Trends New: Designing the Design Studio*. N.C.: Tailored Text and Unlimited Potential Publishing, United States of America.
45. _____. 2017. Appropriate Teaching and Learning Strategies for the Architectural Design Process in Pedagogic Design Studios. *Frontiers of Architectural Research* 6 (2): 204-217.
46. Sinavi, Barkatullah. 2019. An Explanation and Assessment of "The Soul in Its Unity is all Faculties" from Mulla Sadra's Viewpoint. *International Journal of Metaphysics* (3): 131-145.
47. Steadman, J.P. 2008. *The Evolution of Designs: Biological Analogy in Architecture and the Applied Arts*. Cambridge: Cambridge University Press.
48. Taqdir, Samaneh. 2017. Explaining the Human Perception Levels and Process and Its Role in The Quality of Creation of Architectural Works Based on Transcendent Wisdom. *Islamic Architecture Research Quarterly* (14): 48-69.
49. Telmesani, Afifoddin. 2013. *A Commentary on Fuss al-Hekam*. Introduction by Akbar Rashidinia. Tehran: Sokhan.

